



Iranian Scientific Association
of Public Administration



University of
Sistan and Baluchestan

Analysis of the Accountability Index in Good Governance: A Comparative Study of Iran and the United Arab Emirates, Turkey, and Azerbaijan Based on World Bank Criteria

Akbar Ghafoori¹  | Seyed Hossein Emran² 

¹. Corresponding Author, Assist. Professor Law and Political Science Department, Yazd University, Iran.
Email: a.ghafoori@yazd.ac.ir

². PhD student of political science, Iranian Studies, Faculty of Law, Political Science and History, Yazd University, Iran. Email: Emran75000@gmail.com.

Abstract

Objective: This research investigates the state of accountability in Iran, identifies its main obstacles, and proposes solutions to improve this indicator in the country's governance system. Additionally, it examines the extent to which the accountability indicator in the Islamic Republic of Iran aligns with international standards, particularly the World Bank's measures.

Methods: In this study, the concept of accountability from the World Bank's perspective is first defined, and its position in the Iranian constitution is examined. Then, a comparative analysis is presented between Iran and three regional countries (Turkey, Azerbaijan, and the United Arab Emirates) in the time frame of 2000 to 2023 to determine the trend of changes in the accountability indicator in these countries.

Results: The results show that Iran has consistently faced challenges in the accountability indicator and has received negative scores. Several factors, including the multiplicity of institutions, inefficiency of supervisory bodies, lack of

Article type: Research

Cite this article A. Ghafoori and S. H. Emran (2025). Analysis of the Accountability Index in Good Governance: A Comparative Study of Iran and the United Arab Emirates, Turkey, and Azerbaijan Based on World Bank Criteria. *Governance and Development Journal*, 5 (3), 145-180.
DOI: 10.22111/JIPAA.2025.51307.1010.

Received: 04.11.2024

Revised: 11.03.2025

Accepted: 17.09.2025

Published: 24.09.2025



© The Author(s)

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

meritocracy, and weakness of political parties, have been identified as the main obstacles to accountability in the country.

Conclusions: To improve the state of accountability in Iran, reforms are needed in the country's governance system. The proposed solutions include strengthening supervisory institutions, increasing transparency, reducing bureaucracy, strengthening political parties, and promoting meritocracy in government appointments.

Keywords: Accountability, Good Governance, Obstacles to accountability in Iran, Transparency, World Bank Governance Indicators.



مجلس شورای اسلامی ایران

حکمرانی و توسعه

شماره ۱، ۳۴۶۱-۲۷۸۳

Homepage: www.jipaa.ir



مجلس شورای اسلامی ایران

تحلیل شاخص پاسخگویی در حکمرانی خوب: بررسی تطبیقی ایران و کشورهای منتخب بر اساس معیارهای بانک جهانی

اکبر غفوری | سید حسین عمران

۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تاریخ، دانشگاه یزد، ایران. رایانامه: a.ghafoori@yazd.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسایل ایران، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تاریخ، دانشگاه یزد، ایران.
رایانامه: emran75000@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هدف تحقیق: این تحقیق به بررسی وضعیت پاسخگویی در ایران، شناسایی موانع اصلی آن و ارائه راهکارهایی برای بهبود این شاخص در نظام حکمرانی کشور می‌پردازد. همچنین، میزان مطابقت شاخص پاسخگویی در نظام جمهوری اسلامی ایران با معیارهای بین‌المللی، به ویژه سنجه‌های بانک جهانی، مورد بررسی قرار می‌گیرد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۴	روش تحقیق: در این پژوهش، ابتدا مفهوم پاسخگویی از دیدگاه بانک جهانی تبیین شده و جایگاه آن در قانون اساسی ایران بررسی گردیده است. سپس، مقایسه‌ای تطبیقی میان ایران و سه کشور منطقه (ترکیه، آذربایجان و امارات متحده عربی) در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ ارائه شده است تا روند تغییرات شاخص پاسخگویی در این کشورها مشخص شود.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۲۱	نتایج: نتایج نشان می‌دهد که ایران در شاخص پاسخگویی همواره با چالش‌هایی مواجه بوده و نمرات منفی دریافت کرده است. عوامل متعددی از جمله تعدد نهادها، ناکارآمدی دستگاه‌های نظارتی، عدم شایسته‌سالاری و ضعف احزاب سیاسی به‌عنوان موانع اصلی پاسخگویی در کشور شناسایی شده‌اند.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶	نتیجه‌گیری: برای بهبود وضعیت پاسخگویی در ایران، لازم است اصلاحاتی در نظام حکمرانی کشور انجام شود. پیشنهادها ارائه شده شامل تقویت نهادهای نظارتی، ارتقای شفافیت، کاهش بوروکراسی، تقویت احزاب سیاسی و ترویج شایسته‌سالاری در انتصابات دولتی هستند.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۲	
کلیدواژه‌ها: پاسخگویی، حکمرانی خوب، شاخص‌های حکمرانی بانک جهانی، شفافیت، موانع پاسخگویی در ایران.	

استناد: غفوری، اکبر؛ عمران، سیدحسین (۱۴۰۴) "تحلیل شاخص پاسخگویی در حکمرانی خوب: بررسی تطبیقی ایران و کشورهای منتخب بر اساس معیارهای بانک جهانی" (۳)، ۵، ۱۸۰-۱۴۵. ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان



DOI: 10.22111/JIPAA.2025.51307.1010

© نویسندگان

مقدمه

حکمرانی خوب به‌عنوان یکی از مفاهیم اساسی در سیاست‌گذاری عمومی و توسعه پایدار، طی دهه‌های اخیر توجه بسیاری از نظریه‌پردازان و نهادهای بین‌المللی را به خود جلب کرده است. این مفهوم که برای نخستین بار در دهه ۱۹۸۰ توسط بانک جهانی مطرح شد، به مجموعه‌ای از اصول و رویه‌ها اشاره دارد که بهبود کیفیت مدیریت عمومی، تحقق حقوق بشر و تأمین رفاه اجتماعی را هدف قرار می‌دهد. در این میان، شاخصه‌های مختلفی همچون شفافیت، حاکمیت قانون، کنترل فساد و اثربخشی دولت، به‌عنوان ارکان اصلی حکمرانی خوب شناخته شده‌اند.

یکی از این شاخصه‌های کلیدی، پاسخگویی است که نقش بنیادینی در تقویت اعتماد عمومی و مشروعیت نهادهای حکومتی ایفا می‌کند. پاسخگویی نه تنها به معنای ارائه توضیحات و گزارش‌دهی شفاف توسط دولت‌ها است، بلکه شامل توانمندسازی شهروندان برای مطالبه‌گری و نظارت بر عملکرد مقامات نیز می‌شود. تجربه جهانی نشان می‌دهد که نظام‌های حکمرانی پاسخگو و شفاف، زمینه رشد اقتصادی پایدار، افزایش سرمایه‌گذاری، و بهبود رفاه عمومی را فراهم می‌کنند. این مقاله با تمرکز بر مفهوم حکمرانی خوب و شاخصه پاسخگویی، تلاش دارد تا به بررسی این عناصر در نظام جمهوری اسلامی ایران و جایگاه آن در قانون اساسی ایران پرداخته است.

مبانی نظری پژوهش

حکمرانی خوب:

از واژه حکومت تعاریف زیادی صورت گرفته مثلاً فرهنگ معین حکومت را اینگونه تعریف کرده «فرمان دادن، امر کردن، فرمانروایی کردن، سلطنت کردن، پادشاهی کردن، داوری کردن، قضاوت کردن» (معین، ۱۳۸۷: ۴۱۶). معین برای کلمه حکمران نیز از معادل کلمات «حاکم، والی، فرمانروا» استفاده کرده (معین، ۱۳۸۷: ۴۱۶). اما باید بیان کرد که موضوع و معیارهای حکمرانی خوب در متون دینی اسلام و بخصوص نامه امام علی (ع) به مالک اشتر در هزار و چهارصد سال قبل مطرح گردیده که از این نامه در زمان حال هم حتی می‌شود برای حکومت داری استفاده کرد زیرا عهدنامه مالک‌اشتر، گرچه خطاب به مالک‌اشتر است، پیام آن شامل تمام حکومت‌ها و انسان‌ها در همه زمان‌هاست. این نامه فشرده‌ای از اندیشه‌های حضرت علی (ع) است که تکالیف انسان‌ها را در برابر خدا، جامعه و حکومت روشن می‌کند. اجرای کامل سفارش‌های آن، عدالت اجتماعی، امنیت و آرامش مردم را تضمین کرده و زمینه‌رشد معنوی و اخلاقی جامعه را فراهم می‌کند. به طور خلاصه، نامه شامل:

- مبانی، اصول، روش‌ها، سیاست‌ها و اخلاق حکومتی؛
- توجه به جنبه‌های مادی و معنوی زندگی انسان؛
- نقش و جایگاه دولت و مردم بر اساس آموزه‌های وحیانی؛
- روش‌های حکومت‌داری عقلانی و اخلاقی؛
- ملاک‌های شایسته‌سالاری؛
- شاخص‌های حکومت حق.

پس دیده می‌شود که امام علی (ع) معیارهای برای حکومتداری خوب را ۱۴۰۰ سال قبل بیان کرده بودند اما در غرب موضوع حکومتداری خوب از واژه‌های کلیدی و پرکاربرد در سیاست توسعه‌ی جهانی است که تاریخچه‌ی بسیار کوتاهی دارد. به نقل از منابع، این اصطلاح برای نخستین بار در سال ۱۹۷۹ توسط ویلیام سون در ادبیات اقتصادی مطرح شده و از سال ۱۹۸۰ مورد استفاده‌ی واسعت‌تر قرار گرفت. در سال ۱۹۸۹، بانک جهانی گزارش سالانه‌ی خود را به حکومتداری خوب اختصاص داد و از آن به بعد، این مفهوم به صورت گسترده‌ای در ادبیات توسعه جا گرفت. شواهد جهانی نشان می‌دهد که حکومتی توانمند با نهادهای دولتی حرفه‌ای و عملکرد شفاف، رابطه‌ای مستقیم با رشد درآمدها، افزایش ثروت ملی و چشمگیری دستاوردهای اجتماعی دارد. در کشورهای که نهادهای دولتی کارآمد و متکی بر شایسته‌سالاری هستند، قوانین و مقررات ساده و روشن است، حاکمیت قانون به شکل منصفانه اعمال می‌شود، سیاست‌ها و چارچوب‌های قانونی در اختیار گروه‌های با نفوذ نیست، جامعه‌ی مدنی و رسانه‌های گروهی از استقلال برخوردارند که منجر به افزایش پاسخگویی دولت می‌شود، درآمدها، سرمایه‌گذاری‌ها و رشد اقتصادی بالا می‌رود و امید به زندگی بلندمدت‌تر فراهم می‌شود.

اما تا حالا تعاریف متعددی برای حکومتداری خوب ارائه شده است. یکی از این تعاریف، حکومتداری خوب را به عنوان انجام وظایف حکومت به شیوه‌ای عاری از فساد و فاقد تبعیض در چارچوب قوانین موجود معرفی می‌کند. این تعریف نشان می‌دهد که حکومتداری خوب بر کیفیت و نحوه‌ی انجام وظایف توسط حکومت تأکید دارد و در تعریفی دیگری که سازمان ملل^۱ از حکمرانی خوب ارائه کرده، به طور ذیل است.

حکمرانی به تمامی فرآیندهای حکومت‌داری، نهادها، رویه‌ها و روش‌هایی اشاره دارد که از طریق آن‌ها مسائل مورد توجه عمومی تصمیم‌گیری و تنظیم می‌شوند. حکمرانی خوب، یک ویژگی هنجاری یا ارزشی به فرآیند حکومت‌داری اضافه می‌کند. از دیدگاه حقوق بشر، این مفهوم عمدتاً به فرآیندی اشاره دارد که از طریق آن نهادهای عمومی، امور عمومی را اداره می‌کنند، منابع عمومی را مدیریت می‌کنند و تحقق حقوق بشر را تضمین می‌نمایند. اگرچه تعریف بین‌المللی مورد توافقی برای «حکمرانی خوب» وجود ندارد، این مفهوم ممکن است موضوعات متعددی را شامل شود، از جمله احترام کامل به حقوق بشر، حاکمیت قانون، مشارکت مؤثر، همکاری چندجانبه، تکررگرایی سیاسی، فرآیندها و نهادهای شفاف و پاسخگو، بخشی عمومی کارآمد و اثربخش، مشروعیت، دسترسی به دانش، اطلاعات و آموزش، توانمندسازی سیاسی مردم، برابری، پایداری و نگرش‌ها و ارزش‌هایی که مسئولیت‌پذیری، همبستگی و مدارا را تقویت می‌کنند.

به طور خلاصه، حکمرانی خوب به فرآیندها و نتایج سیاسی و نهادی اشاره دارد که برای دستیابی به اهداف توسعه ضروری هستند. معیار واقعی حکمرانی «خوب» میزان تحقق وعده‌های حقوق بشر است: حقوق مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی. پرسش کلیدی این است که آیا نهادهای حکمرانی به طور مؤثر حق سلامت، مسکن مناسب، غذای کافی، آموزش باکیفیت، عدالت عادلانه و امنیت فردی را تضمین می‌کنند؟ (دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، بی تا).

^۱ United Nation.

اما بانک جهانی^۱ از حکمرانی تعریف ذیل را ارائه کرده است: حکمرانی شامل سنت‌ها و نهادهایی است که از طریق آن‌ها اقتدار در یک کشور اعمال می‌شود. این امر شامل فرآیندهای انتخاب، نظارت و جایگزینی دولت‌ها، ظرفیت دولت برای تدوین و اجرای مؤثر سیاست‌های مناسب، و احترام شهروندان و دولت به نهادهایی است که تعاملات اقتصادی و اجتماعی میان آن‌ها را تنظیم می‌کند (World Bank, 1999). اما باید بیان کرد که نظریه حکومتمداری خوب در مقابل حکومتمداری ضعیف قرار دارد. در شرایط حاکمیت ضعیف، قوانین و مقررات به جای اینکه به بهبود کارکرد بازار کمک کنند، آن را مختل می‌سازند. این وضعیت نه تنها باعث ترویج فساد می‌شود، بلکه رقابت سالم را نیز تضعیف می‌کند. به عبارت دیگر، اولویت‌گذاری‌های نادرست منجر به تخصیص نامناسب منابع می‌گردد و ناتوانی در ایجاد قوانین و مقرراتی که با نیازهای توسعه همخوانی داشته باشد، به وضوح احساس می‌شود. این چالش‌ها نشان‌دهنده نیاز به یک رویکرد مؤثر و پاسخگو در حکومتمداری است تا بتوان به توسعه پایدار دست یافت (ری و می، ۱۹۹۶: ۴۷-۵۰). از همین رومی‌توان سیاستگذاری توسعه پس از جنگ جهانی دوم را به سه دوره متمایز تفکیک کرد، دوره دولت بزرگ، دوره دولت کوچک و دوره حکومتمداری خوب (تری، ۱۳۸۵).

دوره اول که پس از پایان جنگ جهانی دوم آغاز شد و تا اواخر دهه ۱۹۷۰ ادامه یافت، دولت به‌عنوان عامل اصلی توسعه شناخته می‌شد. در این دوره، نظریه‌پردازان به دولت بزرگ اعتقاد داشتند که نقش هدایت‌کننده امور را ایفا کند و شرکت‌های دولتی را قهرمانان ملی قلمداد می‌کردند. در کشورهای در حال توسعه نیز دولت باید از طریق شرکت‌های دولتی منابع لازم را گردآوری کند. نظریات کینزی دولت را به‌عنوان عامل تصحیح شکست بازار معرفی می‌کردند که با اجرای طرح‌های عمرانی، فرآیند توسعه را تسریع می‌بخشید. اما مشخص شد که شرکت‌های دولتی فاقد کارآمدی لازم هستند و تحت فشارهای سیاسی قرار دارند. در نتیجه، دیدگاه نئولیبرال‌ها که خواهان کاهش نقش دولت بودند، گسترش یافت آن‌ها به کارآمدی بازارها باور داشتند و اقتصادی را ترویج می‌کردند که در آن رقابت و قیمت‌های بازار جایگزین تخصیص دولتی منابع می‌شد. این دوره از اواخر دهه ۷۰ آغاز شد و تا دهه ۹۰ ادامه یافت. شعار دوره نخست "دولت، موتور توسعه" و شعار دوره دوم "دولت کوچک" بود. در دوره سوم، رویکرد سیاست‌گذاری توسعه بر مفهوم "حکومتمداری خوب" متمرکز است که به معنای اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری بر اساس قانون و پاسخگویی است. در این دوره، دولت و بازار هر دو به‌عنوان نهادهایی اجتماعی شناخته می‌شوند و توسعه تنها در صورتی محقق می‌شود که نواقص هر دو نهاد برطرف شوند. برای دستیابی به توسعه، باید شرایط و نهادهایی فراهم شوند که دولت بتواند وظایف حاکمیتی و حمایتی خود را به‌خوبی انجام دهد.

اصول کلیدی دوره سوم به شرح زیر است:

۱. در دوره‌های دوم و سوم، نظریه غالب بر برتری بازار تأکید دارد، اما در دوره سوم این برتری مشروط به نقش هدایت‌گر دولت است.

¹ World Bank

۲. در دوره سوم، دیگر بحث جایگزینی دولت به جای بازار یا برعکس مطرح نیست و ضعف هر یک با دیگری مقایسه می‌شود.
۳. در دوره سوم، دولت به خودی خود نه عامل توسعه است و نه مانع آن. مسئله اصلی تحقق حکومت‌داری خوب است.
۴. خصوصی‌سازی تنها در شرایط رقابتی مفید است و در شرایط انحصاری، مالکیت خصوصی بر مالکیت دولتی ارجحیت ندارد.
۵. آزادسازی مالی نیازمند کنترل و هدایت دولت است و عدم توانایی دولت در تنظیم بازار می‌تواند بحران‌زا باشد.
۶. در دوره سوم، سیاست‌هایی برای توانمندسازی دولت پیشنهاد شده است و کوچک‌سازی دولت به تنهایی کافی نیست.
۷. خصوصی‌سازی در صورت نداشتن رقابت می‌تواند نتایج نامطلوبی به دنبال داشته باشد و دولت می‌تواند با اصول حکومت‌داری شرکتی عملکرد شرکت‌های دولتی را بهبود بخشد.
۸. در دوره سوم، انتخاب سیاست‌ها وابسته به شرایط داخلی و میراث نهادی هر کشور است و رهبران باید هدایت سیاست‌گذاری را بر عهده داشته باشند.
۹. هدف دوره سوم تنها دستیابی به کارایی و رشد اقتصادی نیست، بلکه توسعه پایدار با اهداف مردم‌سالاری، برابری و حفاظت از محیط‌زیست نیز دنبال می‌شود (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۶-۳۰). بعد از مرور کلی بر روند مطرح شدن نظریه حکمرانی خوب باید بیان کرد که بانک جهانی برای حکمرانی خوب شاخصه‌های ششگانه را معرفی کرده است که طبق آنها کشورها ارزیابی می‌گردند و هر ساله نظر به امتیازی که بدست می‌آورند دسته بندی می‌شوند، شاخصه‌ها عبارت‌اند از حاکمیت قانون؛^۱ حق اظهار نظر و پاسخگویی؛^۲ کنترل فساد؛^۳ اثربخشی دولت؛^۴ ثبات سیاسی؛^۵ نظارت (World Bank, 1999).
- اما از آنجایی که موضوع اصلی تحقیق درباره شاخصه پاسخگویی است در ادامه بطور مشخص به این شاخصه از دید بانک جهانی پرداخته و درصدد هستیم تا دریابیم که سنجه‌های بانک جهانی برای امتیاز دهی به کشورها کدام هستند.

¹ Rule of Law

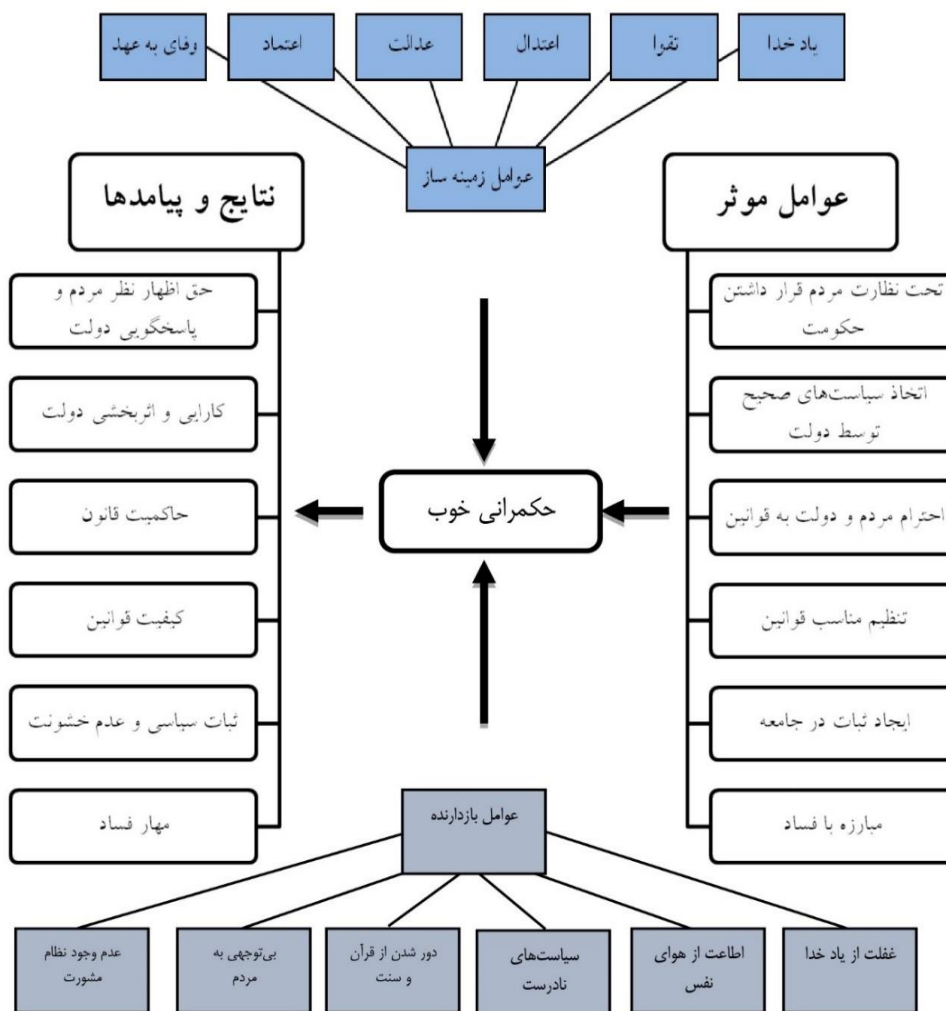
² Voice and Accountability

³ Control of Corruption

⁴ Government Effectiveness

⁵ Political Stability.

⁶ Regulatory Quality



(یوسفی شیخ رباط و بابائی، ۱۳۹۷: ۱۲۹)

شکل ۱: عوامل حکمرانی خوب

پاسخگویی:

یکی از نشانه‌های حکومتداری خوب، پاسخگویی دولت به شهروندان است. دولت باید به عنوان وکیلی عمل کند که به نیازها و خواسته‌های مردم پاسخ می‌دهد. پاسخگویی در بخش دولتی بر این اساس بنا شده است که تصمیمات و اقدامات کارگزاران تأثیرات عمیقی بر جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع دارند. بنابراین، لازم است که این کارگزاران به مردم پاسخگو باشند و اطلاعات لازم را به آن‌ها ارائه دهند تا اعتماد و همکاری بیشتری بین دولت و شهروندان ایجاد شود (ویش وانات و کافمن، ۱۹۹۹: ۴۱).

برخی از کارشناسان بر این باورند که پاسخگویی سه هدف اصلی را دنبال می‌کند.

۱. نظارت و پیشگیری از سوءاستفاده از قدرت:

پاسخگویی ابزاری برای کنترل قدرت و جلوگیری از سوءاستفاده از اختیارات عمومی است. در دنیای امروز، دولت‌ها باید به خواسته‌های شهروندان آگاه، گروه‌های ذی‌نفع، تشکل‌ها، نهضت‌های اجتماعی، رسانه‌ها و مطبوعات پاسخگو باشند. در تمامی نظام‌های سیاسی، پاسخگویی به‌عنوان یکی از اصول نظارتی کلیدی مطرح است تا از سوءاستفاده بخش اجرایی دولت از قدرت و اختیارات خود جلوگیری شود

(Democracy Web, 2024)

۲. پاسخگویی تضمین می‌کند که منابع مالی عمومی به‌درستی و در چارچوب قانون استفاده شوند و ارزش‌های خدمات عمومی رعایت گردند. این امر به مردم اطمینان می‌دهد که مقامات و کارگزاران از منابع عمومی بهینه استفاده کرده و از قوانین و ارزش‌های تعیین‌شده تخلف نمی‌کنند. (OECD, 2015)

۳. ارتقای حکمرانی و بهبود خدمات عمومی:

علاوه بر جنبه‌های نظارتی و بازدارنده، پاسخگویی می‌تواند ابزاری برای پیشرفت و بهبود مداوم باشد. این رویکرد مثبت بر ارتقای کیفیت خدمات دولتی تأکید دارد و به‌عنوان فرایندی برای یادگیری و بهبود مداوم مدیریت عمومی عمل می‌کند. این سه جنبه به‌طور هم‌زمان نشان می‌دهند که پاسخگویی نه‌تنها به نظارت بر قدرت و استفاده صحیح از منابع کمک می‌کند، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز رشد و توسعه در نظام حکمرانی و خدمات عمومی نیز باشد (فقهی، ۱۳۸۰: ۶۵-۵۵). از طرف دیگر برای پاسخگو بودن دولت نیاز به شفافیت است زیرا شفافیت در ارائه اطلاعات بسیار مهم است. این اطلاعات باید به‌موقع، باکیفیت و قابل اعتماد باشد تا شهروندان بتوانند به راحتی به آن دسترسی داشته باشند و از آن استفاده کنند. این روند کمک می‌کند تا اعتماد بین دولت و مردم افزایش یابد و جامعه‌ای قوی‌تر و متعهدتر شکل بگیرد.

درباره شفافیت امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر می‌نویسد «پنهان بودن از شهروندان طولانی نگردد، چرا که پنهان بودن زمامداران از شهروندان، شاخه‌های از کم اطلاعاتی و تنگخویی است، و پنهان شدن شهروندان، زمامداران را از دانستن آنچه از آنان پوشیده است، باز میدارد. پس کار بزرگ نزد آنان خرد به شمار آید و کار خرد، بزرگ نماید؛ زیبا زشت شود و زشت زیبا شود» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹: ۴۷۳).

اما شفافیت از دید بانک جهانی به معنای این است که تصمیم‌گیری‌ها و اجرای آن‌ها باید طبق قواعد و مقررات مشخصی انجام شود. این مفهوم همچنین به این اشاره دارد که اطلاعات باید به راحتی در دسترس افرادی

باشد که تحت تأثیر این تصمیمات قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، شهروندان باید بتوانند به سادگی به اطلاعات دسترسی پیدا کنند. علاوه بر این، شفافیت به این معناست که اطلاعات باید به اندازه کافی و به شکل‌های قابل فهم ارائه شوند، به‌ویژه از طریق رسانه‌های عمومی. این امر به مردم کمک می‌کند تا بهتر درک کنند که چه اتفاقاتی در حال وقوع است (بانک جهانی، ۱۹۹۹).

پس می‌توان بیان کرد که هدف اصلی شفافیت این است تا مردم را از تصمیمات و سازوکارهای دولت آگاه کند. به این ترتیب، همه افراد جامعه باید از سیاست‌ها و اقدامات دولت مطلع شوند و در صورت بروز هرگونه مشکل یا شکایت، بدانند که به کجا باید مراجعه کنند. شفافیت به معنای این است که تصمیم‌گیری‌ها و اجرای آن‌ها بر اساس قوانین و مقررات انجام شود و همچنین این امکان فراهم شود که دسترسی به اطلاعات به‌طور آزادانه برای عموم مردم ممکن باشد. به عبارت دیگر، شفافیت یعنی ارائه اطلاعات لازم و قابل فهم به شکل‌های مشخص و از طریق رسانه‌های عمومی، تا همه بتوانند به راحتی آن‌ها را درک کنند و از آن بهره‌مند شوند. همچنین شفافیت به معنای امکان دسترسی مردم به اطلاعات مربوط به فرآیندها، سازمان‌ها و نهادها تعریف می‌شود. این مفهوم بر مسؤلیت مقامات در ارائه اطلاعات مورد نیاز ذینفعان تأکید دارد. به طور کلی، شفافیت به معنای جریان آزاد اطلاعات و دسترسی همگانی به آن است که نقشی اساسی در ایجاد رابطه‌ای مطلوب بین دولت و مردم ایفا می‌کند و تحقق اصول «حق آگاهی» و «آزادی اطلاعات» را ضروری می‌سازد (زندیه و سالارسروری، ۱۳۹۱: ۱۲۱).

اما بانک جهانی هر ساله کشورهای دنیا را بر اساس معیارهای حکومتمداری خوب و برای هر شاخصه‌ای از آن نمره می‌دهد اما برای نمره دهی از سنج‌های استفاده می‌کند که توسط آن بتواند میزان رعایت شدن حکومتمداری خوب را بسنجد و سنج‌های ذیل برای شاخصه پاسخگویی استفاده می‌شوند.

سنج‌های پاسخگویی از دید بانک جهانی:

- ۱- شاخص دموکراسی
- ۲- منافع شخصی
- ۳- پاسخگویی مقامات دولتی
- ۴- حقوق بشر
- ۵- آزادی تشکیل انجمن
- ۶- حقوق سیاسی^۱
- ۷- آزادی مدنی^۲
- ۸- آزادی اینترنت^۳

^۱ FRH به "آزادی در جهان" اشاره دارد، گزارشی سالانه که توسط "خانه آزادی" منتشر می‌شود. این گزارش وضعیت حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی را در کشورهای سراسر جهان ارزیابی می‌کند.

^۲ FRW این به دسته خاصی از حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی در گزارش "آزادی در جهان" اشاره دارد. این شامل مواردی مانند حق رأی، آزادی تجمع، آزادی بیان و حق مشارکت در حکومت و آزادی دین، آزادی مطبوعات، آزادی انجمن و حق محاکمه عادلانه می‌شود.

^۳ FOTN این یک گزارش سالانه است که توسط "خانه آزادی" منتشر می‌شود و آزادی اینترنت را در کشورهای مختلف ارزیابی می‌کند. این به مواردی مانند دسترسی به اینترنت، سانسور و نظارت دولت بر فعالیت‌های آنلاین می‌پردازد.

- ۹- اطمینان به صداقت انتخابات
- ۱۰- آزادی انتخابات در سطح ملی (آیا روندهای انتخاباتی ناقص است؟)، آیا نهادهای نمایندگی (مثلاً مجلس) بر اساس قوانین رسمی جاری (مثلاً قانون اساسی) عمل می کنند؟
- ۱۱- آزادی تشکل
- ۱۲- آزادی تجمع، تظاهرات
- ۱۳- احترام به حقوق و آزادی های اقلیت ها (قومی، مذهبی، زبانی، مهاجران...)
- ۱۴- قابلیت اطمینان بودجه دولتی (کامل، اعتبار، عملکرد...)
- ۱۵- قابلیت اطمینان حساب های دولتی (کامل، حسابرسی، قانون بررسی...)
- ۱۶- قابلیت اطمینان حساب های شرکت های دولتی
- ۱۷- قابلیت اطمینان آمارهای اساسی اقتصادی و مالی (مانند حساب های ملی، شاخص های قیمت، تجارت خارجی، ارز و اعتبار و غیره).
- ۱۷- قابلیت اطمینان حساب های بانک های دولتی (آیا سیاست اقتصادی دولت (به عنوان مثال بودجه، مالی و غیره) ... ابلاغ شده است؟)، (آیا سیاست اقتصادی دولت (به عنوان مثال بودجه، مالی و غیره) ... به طور عمومی مورد بحث قرار می گیرد؟)
- ۱۸- میزان شفافیت در تدارکات عمومی
- ۱۹- آزادی خروج از کشور (مانند گذرنامه، ویزای خروج و غیره)
- ۲۰- آزادی ورود اتباع خارجی
- ۲۱- آزادی رفت و آمد برای اتباع در سراسر جهان
- ۲۲- تکثیر رسانه ای واقعی
- ۲۳- آزادی دسترسی، ناوبری و انتشار در اینترنت
- ۲۴- ارتش در سیاست
- ۲۵- پاسخگویی دموکراسی
- ۲۶- گسترش آزادی بیان
- ۲۷- انتخابات پاک
- ۲۸- رضایت از دموکراسی
- ۲۹- آزادی و انصاف در آخرین انتخابات ملی
- ۳۰- (بی تی ای)

^۱ BTI شاخص تبدیل برتلزمن یک پروژه تحقیقاتی است که توسط بنیاد آلمانی Bertelsmann Stiftung انجام شده است. هدف آن ارزیابی کیفیت دموکراسی، اقتصاد بازار، و حکمرانی در کشورهای در حال توسعه و در حال گذار است. این بنیاد از شاخص های مختلفی برای اندازه گیری این جنبه ها استفاده می کند، از جمله: مشارکت سیاسی: این به میزان مشارکت شهروندان در فرآیند سیاسی مانند رای دادن، پیوستن به احزاب سیاسی و مشارکت در گفتن عمومی اشاره دارد. ثبات نهادهای دموکراتیک: قدرت و انعطاف پذیری نهادهای دموکراتیک مانند حاکمیت قانون، قوه قضائیه مستقل و انتخابات آزاد و عادلانه را ارزیابی می کند. یکپارچگی سیاسی و اجتماعی: این موضوع به بررسی میزان مشارکت و ادغام گروه های مختلف اجتماعی در بافت سیاسی و اجتماعی کشور می پردازد.

- ۳۱- اشتراک سیاسی
- ۳۲- پایداری نهاد های دموکراتیک
- ۳۳- پاسخگویی و خواست (صدای) جمعی
- ۳۴- دسترسی به اطلاعات و آزادی
- ۳۵- حق ابراز نظر
- ۳۵- حق اشتراک در حکومت
- ۳۶- حق اشتراک و اجتماع
- ۳۷- سیاست ها و چارچوب توسعه روستایی و فقرزدایی روستایی
- ۳۸- چارچوب های قانونی و استقلال سازمان های مردمی روستایی
- ۳۹- آزادی مطبوعات (آزادی دسترسی به اطلاعات، حمایت از خبرنگاران و غیره).
- ۴۰- افراد حق ایجاد، اشتراک گذاری و مصرف اطلاعات را دارند. مردم به کانالهای اطلاعات دسترسی کافی دارند.
- ۴۱- کانال های مناسب برای اطلاع رسانی دولت؛ کانال های متنوعی برای جریان اطلاعات وجود دارد. و کانال های اطلاع رسانی مستقل هستند.
- ۴۲- اعتماد بر پارلمان
- ۴۳- رضایت از دموکراسی
- ۴۴- شفافیت پالیسی دولت رضایت بخش است (بانک جهانی، ۱۹۹۹).
- در بالا معیارهای پاسخگویی که از دیدگاه بانک جهانی معرفی شده اند، چارچوبی جامع برای ارزیابی کارآمدی و شفافیت سیستم های حکومتی به شمار می آید. این معیارها شامل ارزیابی و پاسخگویی مقامات دولتی است که به طور مستقیم بر نحوه تعامل دولت ها با شهروندان و مقامات نظارتی تأثیر می گذارد. در ایران، قانون اساسی نیز به عنوان اصلی ترین سند قانونی کشور، الزامات خاصی برای تضمین پاسخگویی و شفافیت در نظام حکومتی پیش بینی کرده است.
- برای برقراری ارتباط میان این دو، می توان گفت که بسیاری از اصولی که در سنجش های بانک جهانی آمده اند، در قانون اساسی ایران نیز به طور غیرمستقیم مطرح شده اند. به عنوان مثال، در قانون اساسی ایران، مفادی وجود دارند که بر ضرورت مشارکت مردم در فرآیندهای سیاسی، نظارت بر دولت و آزادی های عمومی تأکید دارند؛ در این زمینه، مقایسه این دو می تواند به درک بهتری از وضعیت پاسخگویی در ایران و هم راستایی آن با استانداردهای بین المللی کمک کند. از این رو، بررسی این الزامات در قانون اساسی ایران می تواند به ما این امکان را بدهد که تحلیل دقیقی از میزان تطابق یا تفاوت آن با معیارهای جهانی داشته باشیم.
- شاخصه پاسخگویی در قانون اساسی ایران:**
- نظر به قانون اساسی ایران تمامی قوا و نهادها در ایران موظف به پاسخگویی هستند و در جدول ذیل این موارد با استناد با اصول قانون اساسی بیان گردد است.

جدول ۱: شاخصه پاسخگویی در قانون اساسی ایران

مقام/نهاد	الزامات پاسخگویی
مقام رهبر	۱. نظر به اصل ۱۱۱ قانون اساسی در مقابل مجلس خبرگان پاسخگو است.
رئیس جمهور	۲. نظر به اصل ۱۲۲ در برابر رهبر پاسخگو است. ۳. نظر به اصل ۱۲۲ در برابر مردم پاسخگو است. ۴. نظر به اصول ۸۹ و ۱۲۲ در برابر مجلس شورای اسلامی پاسخگو است.
قوه مجریه	۵. برای پیروی از سیاست های کلی نظام در برابر مقام رهبر پاسخگو است. ۶. برای اجرای قانون در برابر مجلس شورای اسلامی پاسخگو است. ۷. پاسخگویی به تفحص و تحقیق. ۸. نظر به اصل ۸۹ در مقابل سوالات، تذکرات و استیضاح نمایندگان پاسخگو است. ۹. برای اجرای دقیق قانون بودجه باید به دیوان محاسبات پاسخگو باشد. ۱۰. نظر به اصل ۹۰ از عمل قوه مجریه در برابر شکایات مردمی باید پاسخگو باشد. ۱۱. در برابر قوه قضائیه باید پاسخگو باشد. ۱۲. باید به سازمان بازرسی کل کشور برای اجرای دقیق قوانین پاسخگو باشد. ۱۳. در برابر رئیس قوه قضائیه برای بررسی از دارایی رئیس جمهور، معاونین رئیس جمهور و وزیران برای افزایش نیافتن به ناحق دارای پاسخگو باشد.
قوه مقننه	۱۴. در برابر رهبری برای پیروی از سیاست های کلی نظام باید پاسخگو باشد. ۱۵. نظر به اصل ۹۰ در برابر شهروندان با پاسخگو باشد.
قوه قضائیه	۱۶. در برابر مجلس شورای اسلامی بابت شکایات مردم از طرز کار قوه قضائیه باید پاسخگو باشد. ۱۷. برای اجرا یا عدم اجرای قوانین باید در برابر قوه مقننه پاسخگو باشد. ۱۸. در برابر مقام رهبری باید پاسخگو باشد.
پاسخگویی سایر نهادهای عمومی	۱۹. فقهای شورای نگهبان در برابر مقام رهبر پاسخگو هستند. ۲۰. نیروهای مسلح در برابر مقام معظم رهبری پاسخگو هستند. ۲۱. صدا و سیما به مقام رهبری پاسخگو است (هر چند به گونه صریح در قانون اساسی ذکر نشده ولی از متن قانون اساسی می شود برداشت کرد).
منبع: یافته های پژوهش	

در قانون اساسی ایران به اصل پاسخگویی توجه ویژه ای شده است و نهادها و قوای مختلف کشور موظف اند تا نسبت به عملکرد خود پاسخگو باشند و همانطور که مشاهده میشود؛ در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، پاسخگویی به عنوان یکی از اصول بنیادین حکمرانی مورد توجه قرار گرفته است. قانون اساسی چارچوب های مشخصی برای مسئولیت پذیری مقامات و نهادهای حکومتی تعیین کرده و آن ها را در برابر نهادهای نظارتی، مردم، و سایر ارکان حاکمیت پاسخگو می داند. رهبر در برابر مجلس خبرگان، رئیس جمهور در برابر رهبر، مجلس شورای اسلامی، و مردم، و قوه مجریه در برابر نهادهایی چون مجلس، دیوان محاسبات، و سازمان بازرسی کل کشور مسئولیت دارد. همچنین قوه قضائیه موظف است در برابر مجلس و رهبری پاسخگو باشد و

شکایات مردم را بررسی کند. قوه مقننه نیز باید به رهبری و مردم گزارش عملکرد خود را ارائه دهد. سایر نهادهای عمومی نظیر شورای نگهبان، نیروهای مسلح، و صداوسیما نیز تحت نظارت مقام رهبری قرار دارند. این ساختار نشان‌دهنده اهمیت شفافیت و مسئولیت‌پذیری در نظام حکمرانی کشور است و تحقق آن نیازمند تقویت سازوکارهای اجرایی و نظارتی است تا اصول قانون اساسی به‌طور کامل در عمل پیاده‌سازی شود. علاوه بر تأکید فراوان این موضوع در متن قانون اساسی، رهبر ایران به عنوان بالاترین مقام کشور نیز بارها بر اهمیت پاسخگویی تأکید کرده‌اند. به عنوان مثال: در دیدار با رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم به تاریخ ۱۴۰۳/۴/۳۱ فرمودند.

«مجلس صرفاً یک نهاد پرسشگر نیست، بلکه یک نهاد پاسخگو هم هست. برخلاف تصور بسیاری که خیال میکنند مجلس با جعل قانون به دولت دستور میدهد، بعد هم سؤال می‌کند، استیضاح میکند، کارهایی از این قبیل میکند و پرسشگر است، بله، این وظایف وجود دارد، لکن پاسخگو هم هست. مجلس یکی از ارکان کشور است، یک نهاد تصمیم‌گیر است، یک نهاد اقدام‌کننده است و هر مجموعه یا فرد تصمیم‌گیر و اقدام‌کننده پاسخگو هم هست. بنابراین، مجلس باید شأن پاسخگویی خودش را همیشه در نظر داشته باشد. وظایفی هست که باید انجام بدهد؛ اگر ندهد، مورد سؤال قرار می‌گیرد. کارهایی هست که باید نکند؛ اگر بکند، مورد ایراد قرار می‌گیرد. مجلس به چه کسی پاسخگو باشد؟ در چه‌ی اول به خدا. ماها مؤمنیم، میدانیم روزی هست که از ما از جزئیات کارهایمان و اعمالمان سؤال خواهد شد. شما یک قانونی را که جعل میکنید و وضع میکنید، یک حکمی را که امضا میکنید، باید جواب بدهید. همه‌ی ما باید به این مسئولیت بزرگ فکر کنیم. این مسئولیت در مقابل خدا است که از همه‌ی مسئولیتها، از همه‌ی سؤالها بالاتر، خطیرتر و درخور اتمام بیشتر است. بعد هم در قبال مردم. حالا مردم اگر چنانچه از مجلسی یک امر خلاف انتظاری را مشاهده کنند، یقیناً مجلس را البته نمی‌گیرند؛ یعنی سازوکار قانونی‌ای برای این کار وجود ندارد، لکن در رفتار آنها، در روش آنها، در واکنش آنها، انسان میتواند مشاهده کند رضایت آنها یا عدم رضایت آنها را» (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، ۱۴۰۳).

همان‌طور که مشاهده می‌شود، مبحث پاسخگویی در قانون اساسی ایران و در سخنان رهبر جمهوری اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به همین دلیل، دولت ایران برای تقویت شفافیت در ادارات دولتی، در سال ۱۳۸۷ قانون «انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» را به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کرد. این قانون پس از تصویب در مجلس، با وقفه‌ای چندساله در سال ۱۳۹۳ توسط رئیس‌جمهور وقت برای اجرا ابلاغ شد. این قانون، تنها چارچوب قانونی مرتبط با شفافیت امور عمومی در ایران است که به تمامی شهروندان، بدون تبعیض، حق دسترسی آزاد به اطلاعات با ماهیت عمومی را تضمین می‌کند؛ در ماده ۱۰ این قانون تمامی مؤسسات عمومی را مکلف کرده تا اطلاعات که دارای طبقه بندی نیست را در اختیار شهروندان قرار دهند.

«ماده ۱۰- هر یک از مؤسسات عمومی باید جز در مواردی که اطلاعات دارای طبقه بندی می باشد، در راستای نفع عمومی و حقوق شهروندی دست کم به طور سالانه اطلاعات عمومی شامل عملکرد و

ترازنامه (بیلان) خود را با استفاده از امکانات رایانه ای و حتی الامکان در یک کتاب راهنما که از جمله می تواند شامل موارد زیر باشد منتشر سازد و در صورت درخواست شهروند با اخذ هزینه تحویل دهد:

الف - اهداف، وظایف، سیاستها و خطی مشی ها و ساختار.

ب - روشها و مراحل اتمام خدماتی که مستقیماً به اعضاء جامعه ارائه می دهد.

ج - ساز و کارهای شکایت شهروندان از تصمیمات یا اقدامات آن مؤسسه.

د - انواع و اشکال اطلاعاتی که در آن مؤسسه نگهداری می شود و آیین دسترسی به آنها.

ه - اختیارات و وظایف مأموران ارشد خود.

و - تمام ساز و کارها یا آیین هایی که به وسیله آنها اشخاص حقیقی و حقوقی و سازمانهای غیردولتی می تواند در اجراء اختیارات آن واحد مشارکت داشته یا به نحو دیگری مؤثر واقع شوند.

تبصره - حکم این ماده در مورد دستگاههایی که زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری است، منوط به عدم مخالفت معظم له می باشد» (قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، ۱۳۸۷).

نظر به فصل پنجم این قانون، کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات تشکیل گردید و در نتیجه کار این کمیسیون، «سامانه ملی انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» بوجود آمد، در مورد کارکرد این سامانه در قسمت سوالات متداول این سایت آمده «این سامانه یکی از بسترهای اجرای قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات محسوب می شود. به این ترتیب که مردم می توانند در بستر سامانه درخواست اطلاعات نمایند و سازمانهای فعال به درخواست های ثبت شده برای دسترسی به اطلاعات پاسخ می دهند»^۱ اما در بخش «فهرست سازمانها» لیستی از تعداد کلی سازمانهای و تعداد سازمانهای فعال در این سامانه نمایش داده شده است که طبق بررسی انجام شده در تاریخ ۷ بهمن ۱۴۰۳، به شکل ذیل می باشد.

فهرست سازمانهای ثبت شد در سامانه ملی انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات		
اسم	فعال در سامانه	مجموعه
قوه مجریه	۱۰۹۲	۱۲۲۶
قوه مقننه	۱۰	۱۰
قوه قضاییه	۹	۱۴
استانداریها	۱۰۱	۱۰۲
سایر موسسات مشمول	۸۶	۲۶۷
شهرداریهای	۱۰۴۰	۱۱۲۱
شوراهای اسلامی شهر و روستا	۲۰۸	۲۸۰
موسسات خصوصی ارائه دهند خدمات عمومی	۹۴	۱۱۲

(سامانه ملی انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، ۱۴۰۳)

جدول ۲: سازمانهای فعال در سامانه ملی انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات

^۱ <https://iranfoia.ir/support/common-questions/>

بر اساس اطلاعات موجود در سامانه ملی انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، هنوز هم تعداد قابل توجهی از نهادهای دولتی، از جمله شهرداری‌ها، شوراهای اسلامی شهر و روستا، و همچنین مؤسسات خصوصی که خدمات عمومی ارائه می‌دهند، در این سامانه فعال نشده‌اند. این وضعیت می‌تواند مانعی جدی برای دستیابی به شفافیت کامل در عملکرد نهادهای عمومی باشد.

عدم فعالیت این نهادها در سامانه به معنای کاهش دسترسی شهروندان به اطلاعاتی است که حق قانونی آن‌ها محسوب می‌شود. این موضوع نه تنها بر اعتماد عمومی به نظام حکمرانی تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه می‌تواند به تضعیف شاخص‌های مرتبط با پاسخگویی و شفافیت در سطح ملی و بین‌المللی نیز منجر شود.

این چالش‌ها در حالی مطرح می‌شوند که الزامات پاسخگویی در ایران ریشه در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی دارد. قانون اساسی، به‌عنوان بالاترین سند حقوقی کشور، چارچوبی روشن و ساختاری مشخص برای تقویت پاسخگویی در نظام حکمرانی ارائه کرده است. با تعیین مسئولیت‌ها و پاسخگویی مقامات و نهادهای مختلف در برابر مردم، مجلس، و دیگر نهادهای نظارتی، این سند بستر مناسبی برای شفافیت و مسئولیت‌پذیری ایجاد کرده است.

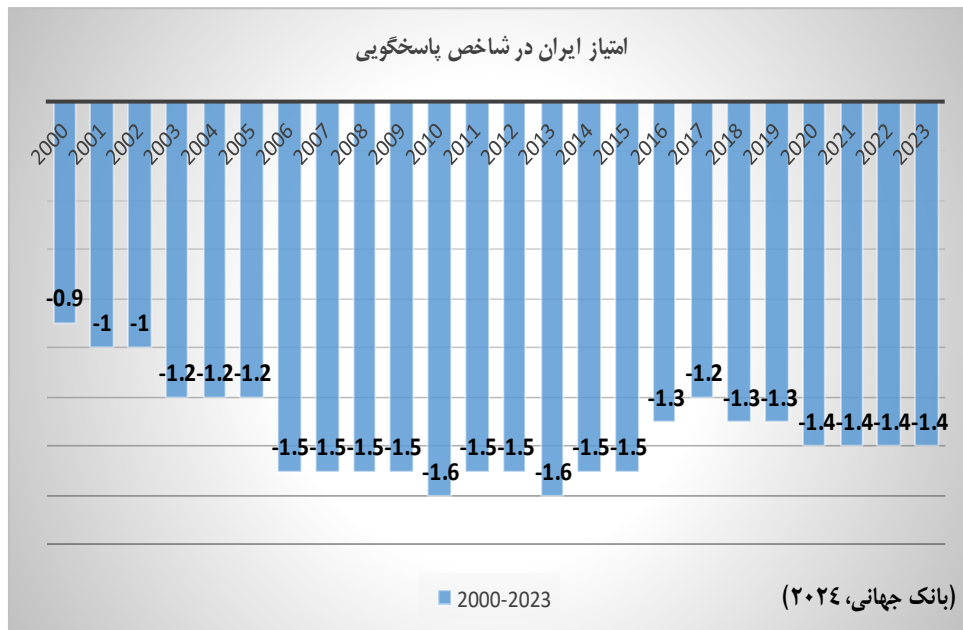
این اصول و ظرفیت‌های قانونی نشان می‌دهند که اجرای دقیق‌تر قوانین مرتبط، از جمله قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، می‌تواند نقش مؤثری در بهبود وضعیت پاسخگویی داشته باشد. اما برای درک بهتر جایگاه ایران در این زمینه و مقایسه عملکرد آن با سایر کشورها، لازم است وضعیت پاسخگویی در کشور با استفاده از شاخص‌های بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرد.

در بخش بعد، تحلیل تطبیقی شاخص پاسخگویی از دید بانک جهانی در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ ارائه می‌شود. این بررسی، ایران را در مقایسه با کشورهایمانند ترکیه، آذربایجان، و امارات متحده عربی قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که ایران طی این دوره با چالش‌ها و نوسانات متعددی در شاخص پاسخگویی مواجه بوده است.

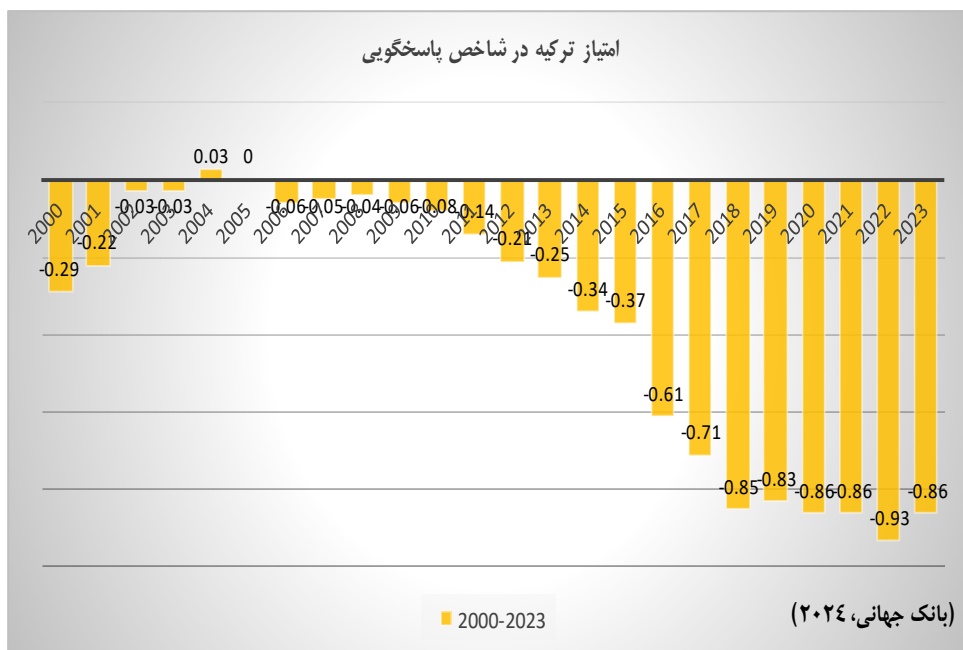
بررسی تطبیقی شاخص پاسخگویی

بانک جهانی با استفاده از سنج‌های یاد شده اقدام به امتیاز دهی به کشورها می‌کند و محدوده امتیازات بانک جهانی معمولاً بین (۲,۵-) تا (۲,۵+) متغیر است که (۲,۵+) نشان‌دهنده حکمرانی بسیار خوب و پاسخگویی بالا است و (۲,۵-) نشان‌دهنده حکمرانی ضعیف و پاسخگویی پایین است (کافمن و کرای، ۲۰۲۴: ۱۶).

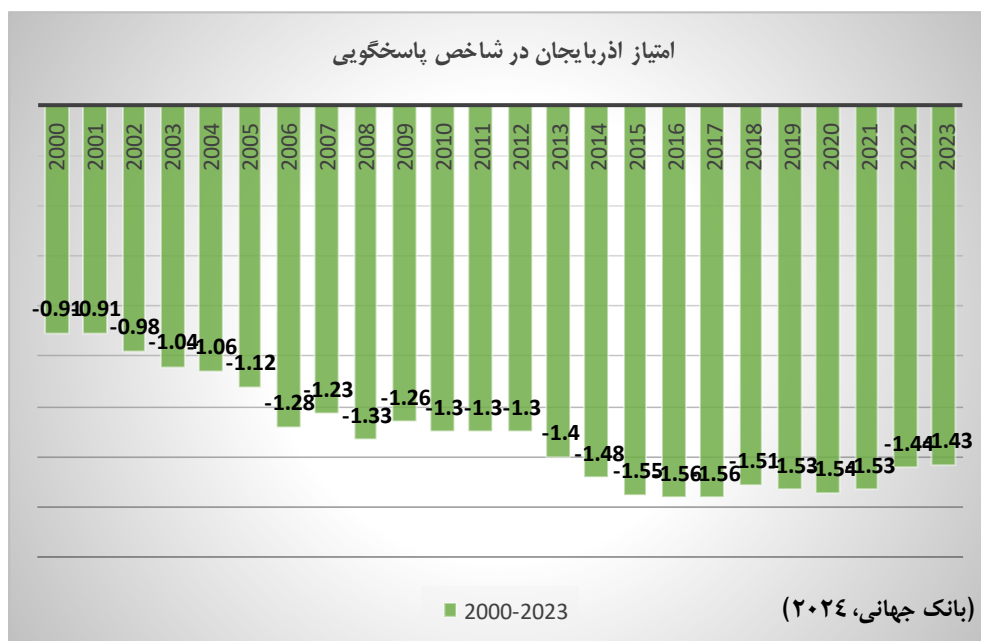
بر این اساس در این بخش به مقایسه شاخصه پاسخگویی از دید بانک جهانی بین چهار کشور ایران، ترکیه، آذربایجان و امارات متحده عربی در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ می‌پردازیم. هدف این است که بررسی کنیم هر یک از این کشورها در این دوره چه امتیازاتی در شاخص پاسخگویی به دست آورده‌اند و عملکرد آن‌ها از نظر بانک جهانی چگونه بوده است؛ این مقایسه کمک می‌کند تا درک روشن‌تری از جایگاه ایران در منطقه و تفاوت‌های آن با کشورهای همسایه حاصل شود.



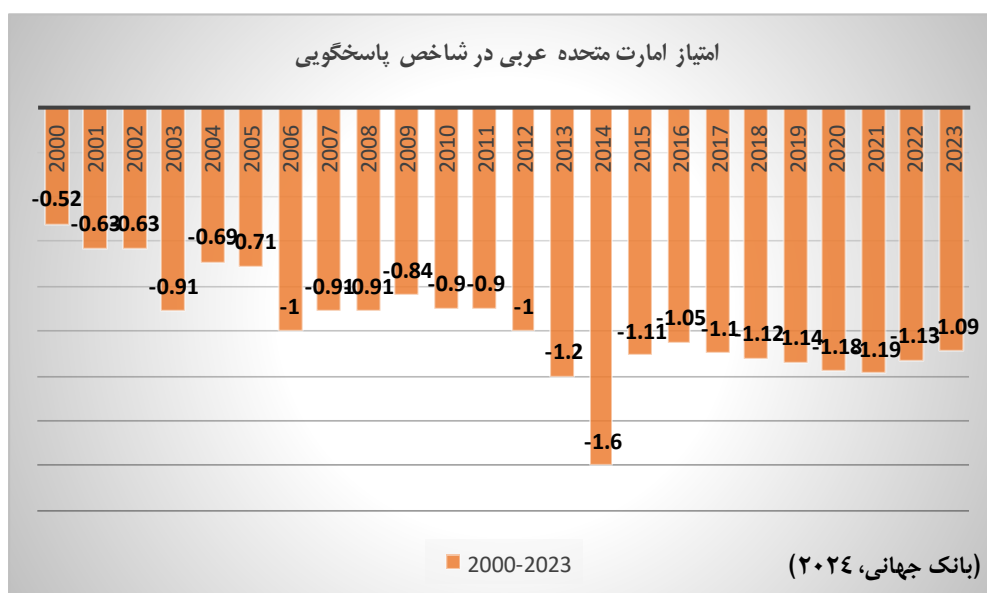
نمودار ۱: امتیاز ایران در شاخص پاسخگویی



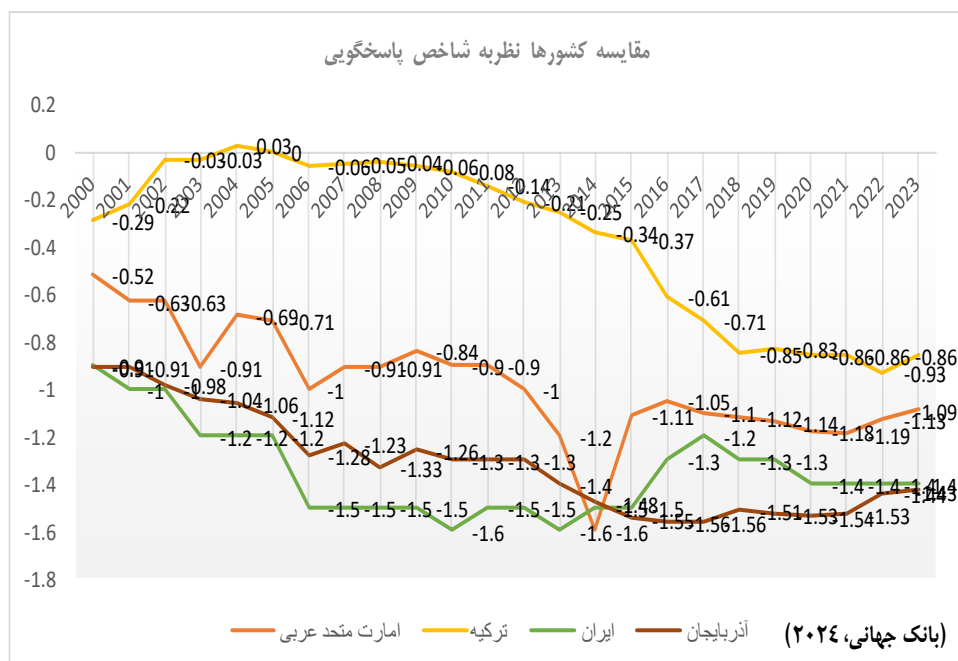
نمودار ۲: امتیاز ترکیه در شاخص پاسخگویی



نمودار ۳: امتیاز اذربایجان در شاخص پاسخگویی



نمودار ۴: امتیاز امارت متحده عربی در شاخص پاسخگویی



نمودار ۵: مقایسه کشورها نظریه شاخص پاسخگویی

همان‌طور که در نمودار شماره یک مشاهده می‌شود، بر اساس داده‌های بانک جهانی، امتیاز ایران در شاخص «پاسخگویی» در کل دوره‌ی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ همواره منفی بوده است. بالاترین امتیاز ایران در سال ۲۰۰۰ با مقدار (-۰٫۹) ثبت شده و پایین‌ترین امتیاز مربوط به سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ با مقدار (-۱٫۶) است (World Bank, 2024). این روند نشان می‌دهد که ایران طی این بازه با نوسانات متعددی در شاخص پاسخگویی مواجه بوده است. پژوهش‌های تطبیقی در حوزه حکمرانی تأکید می‌کنند که کاهش آزادی‌های مدنی، محدود شدن فعالیت‌های رسانه‌ای، و افزایش کنترل‌های حکومتی از اواسط دهه ۲۰۰۰ به بعد نقش مستقیمی در افت این شاخص داشته‌اند (Freedom House, 2018). علاوه بر این، فشارهای بین‌المللی و تحریم‌ها در دهه اخیر نیز این روند نزولی را تشدید کرده‌اند.

نمودار شماره دو وضعیت ترکیه را نشان می‌دهد. برخلاف ایران، ترکیه در دهه نخست قرن بیست و یکم عملکرد مطلوب‌تری در شاخص پاسخگویی داشته است؛ به‌ویژه در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴، امتیاز این کشور مثبت یا نزدیک به صفر ثبت شد (World Bank, 2024). نظام چندحزبی، گسترش فعالیت‌های مدنی، و تلاش برای پیوستن به اتحادیه اروپا در این دوره نقش بسزایی در ارتقای شاخص پاسخگویی ایفا کردند (Öniş, 2016; Keyman & Öniş, 2003). با این حال، تحولات سیاسی پس از کودتای نافرجام ۲۰۱۶ و

محدودیت‌های گسترده بر آزادی بیان و رسانه‌ها موجب کاهش چشمگیر امتیاز ترکیه شد، به گونه‌ای که این شاخص در سال ۲۰۲۱ به (۰٫۹۳-) رسید (Freedom House, 2018).

در مقایسه با ایران، ترکیه توانست در برخی مقاطع از طریق اصلاحات سیاسی و تقویت نهادهای مدنی به جایگاه بهتری دست یابد. با این وجود، کاهش تدریجی آزادی‌های سیاسی و رسانه‌ای در سال‌های اخیر وضعیت ترکیه را به ایران نزدیک‌تر کرده است. در مجموع، داده‌های بانک جهانی و یافته‌های پژوهش‌های دانشگاهی نشان می‌دهند که هر دو کشور در دو دهه گذشته با افت قابل توجهی در شاخص پاسخگویی مواجه بوده‌اند، هرچند شدت و زمان‌بندی این روندها متفاوت است (Öniş, 2016; Freedom House, 2018).

نمودار شماره ۳ بیانگر این موضوع است که آذربایجان در طول دوره مورد بررسی، به دلیل ساختار سیاسی متمرکز و محدودیت‌های شدید در آزادی‌های مدنی، همواره رتبه پایینی در شاخص پاسخگویی داشته است. نبود انتخابات آزاد و شفاف، کنترل گسترده بر رسانه‌ها، و سرکوب نهادهای مدنی از دلایل اصلی ضعف این کشور در شاخص بانک جهانی هستند.

در مقایسه با ایران، آذربایجان همواره عملکرد ضعیف‌تری داشته و در بسیاری از جنبه‌های شاخص پاسخگویی، از جمله مشارکت عمومی و نظارت مدنی، در رتبه پایین‌تری قرار گرفته است. در نمودار شماره ۴ امارات متحده عربی یکی از موفق‌ترین کشورهای منطقه در زمینه توسعه اقتصادی و زیرساختی است، اما این موفقیت با محدودیت‌های جدی در حوزه پاسخگویی همراه بوده است. ساختار سیاسی متمرکز و نبود آزادی‌های مدنی، جایگاه امارات را در شاخص پاسخگویی در سطح پایینی قرار داده است.

در مقایسه با ایران، امارات متحده عربی در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ تمرکز بیشتری بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه اقتصادی داشته است. آمارها نشان می‌دهد که میزان ورود سرمایه مستقیم خارجی به امارات در سال ۲۰۰۰ حدود منفی ۵۱۰ میلیون دلار بوده، در حالی که این رقم در سال ۲۰۲۳ به حدود ۳۰٫۶۹ میلیارد دلار افزایش یافته است. این روند نشان می‌دهد که امارات طی این دوره توانسته است بیش از ۶۰ برابر رشد در جذب سرمایه خارجی تجربه کند، که بیانگر سیاست‌های فعال این کشور در ایجاد محیطی جذاب برای سرمایه‌گذاران خارجی است (Macrotrends, 2023). با این حال، محدودیت‌های سیاسی و عدم مشارکت مردمی باعث شده است که این کشور نیز در شاخص پاسخگویی جایگاه مطلوبی نداشته باشد. مشاهده نمودار شماره ۵ می‌شود گفت که مقایسه چهار کشور نشان می‌دهد که ایران در شاخص پاسخگویی، به‌رغم نوسانات، جایگاهی متوسط در میان این کشورها دارد. ترکیه در بخش‌هایی از این دوره عملکرد بهتری نسبت به ایران داشته، اما روند نزولی آن در سال‌های اخیر فاصله میان دو کشور را کاهش داده است. آذربایجان با عملکرد ضعیف‌تر از همه کشورها، در پایین‌ترین سطح این مقایسه قرار دارد، در حالی که امارات متحده عربی علی‌رغم موفقیت‌های اقتصادی، در شاخص پاسخگویی تفاوت چندانی با ایران ندارد.

این تحلیل نشان می‌دهد که ایران، به‌ویژه با اصلاحات اساسی در آزادی‌های مدنی و رسانه‌ای، می‌تواند رتبه بهتری در شاخص پاسخگویی کسب کرده و از عملکرد ضعیف کشورهایی مانند آذربایجان فاصله بگیرد.

حال که این مقایسه‌ها به‌روشنی ضعف‌های موجود در نظام‌های پاسخگویی کشورهای منطقه را نمایان کرده، بررسی موانع پاسخگویی در ایران می‌تواند به عنوان گامی ضروری برای شناسایی چالش‌های ساختاری و سیاسی در این کشور مطرح شود. در واقع، موانع پاسخگویی در ایران نه تنها با توجه به محدودیت‌ها و نظارت‌های دولتی بلکه با توجه به مسائلی چون آزادی‌های مدنی، رسانه‌ای و مشارکت سیاسی قابل تحلیل است. به این ترتیب، در بخش بعدی می‌توانیم به بررسی دقیق‌تر این موانع پرداخته و راهکارهایی برای بهبود آن‌ها در راستای ارتقای شاخص پاسخگویی ایران پیشنهاد کنیم.

موانع پاسخگویی در ایران:

موانع پاسخگویی در ایران به مجموعه‌ای از مشکلات ساختاری و سیاسی اشاره دارد که مانع از تحقق شفافیت و نظارت مؤثر بر عملکرد دولت می‌شود. در بسیاری از موارد، ساختار مدیریتی کشور به گونه‌ای است که تصمیم‌گیری‌ها و فرآیندهای نظارتی با عدم هماهنگی و پراکندگی مواجه است. این پراکندگی در نهایت به کاهش کارآمدی سیستم پاسخگویی منجر می‌شود.

در کنار این، ضعف در دستگاه‌های نظارتی و مشکلات موجود در فرآیندهای انتخاب و انتصاب مقامات دولتی، دسترسی به مقامات پاسخگو را دشوار کرده و موجب ایجاد موانعی در مسیر نظارت بر عملکرد آن‌ها می‌شود. علاوه بر این، نبود برنامه‌ریزی منسجم در برخی عرصه‌ها و عدم توجه به نیازهای اساسی مردم، باعث شده است که پاسخگویی در سطوح مختلف به‌طور مؤثر انجام نشود. در نهایت، این مشکلات نه تنها باعث کاهش شفافیت در اقدامات دولتی می‌شود، بلکه زمینه را برای کاهش اعتماد عمومی و محدود کردن مشارکت فعال مردم در فرآیندهای حکومتی فراهم می‌کند از این رو می‌توان موارد ذیل را به عنوان موانع پاسخگویی در ایران برشمرد.

«عدم وجود احزاب و جامعه مدنی در کشور.»

– تعدد نهادها و سازمانهای متولی امر عمومی در کشور.

– ناکارآمدی دستگاههای نظارتی و ذینفع بودن آنها در نمونه مورد نظارت.

– پراکندگی و تعدد دستگاهها و مراجع متولی امور عمومی کشور.

– عدم شایسته سالاری و نظام نامناسب انتخاب و انتصاب.

– فعالیت ضعیف و غیر نظام مند احزاب سیاسی در جامعه.

– بیبرنامگی دولت و عقب افتادن از برنامه‌های حداقلی.

– عدم تناسب بین اختیارات و وظایف محوله «قلی پور، ۱۳۸۳: ۱۰۵»

۱- عدم وجود احزاب و جامعه مدنی در کشور

احزاب و نهادهای مدنی، نقش حیاتی در هدایت سیاست‌های عمومی و پاسخگو کردن نهادهای دولتی ایفا می‌کنند. در ایران، احزاب عموماً ساختاری ضعیف و غیرسیستماتیک دارند و بیشتر به صورت فصلی یا انتخاباتی فعالیت می‌کنند. طبق گزارش وزارت کشور که به تاریخ ۲۹ بهمن ماه ۱۴۰۲ اعلام شده، در ایران ۷۴ حزب ملی، ۳۱ حزب استانی به همراه ۲۱ جبهه و ائتلاف سیاسی وجود دارد (وزارت کشور، ۱۴۰۲).

اما موضوع مهم این است که ایران در زمینه احزاب سیاسی، با چالش‌های خاصی روبه‌روست. به عبارت دیگر، احزاب به معنای واقعی و با ویژگی‌ها و کارکردهای اختصاصی خود در ایران وجود ندارند. بیشتر احزاب موجود، احزاب حکومتی هستند که به وسیله دولت و افراد مرتبط با آن تشکیل می‌شوند.

یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری این احزاب، ابزارها و اهرم‌هایی است که مجلس شورای اسلامی برای کنترل و نظارت بر فعالیت‌های دولت در اختیار دارد. این وضعیت به ایجاد جناح‌بندی‌هایی در قوه مقننه منجر می‌شود که حول حمایت یا مخالفت با رئیس قوه مجریه شکل می‌گیرد. به همین دلیل، مجلس شورای اسلامی بیشتر از دولت، فضایی برای ظهور ائتلاف‌ها و جناح‌های سیاسی فراهم می‌کند. این جناح‌ها معمولاً به پیروی از سیاست‌های دولت در مجلس شکل می‌گیرند. از سوی دیگر، احزاب ایجاد شده توسط دولت و دست‌اندرکاران دولتی، برای اجرای اهداف و سیاست‌های خود از اختیارات سیاسی مجلس شورای اسلامی بهره‌برداری می‌کنند. این چرخه باعث می‌شود که احزاب به جای نمایندگی واقعی مردم، بیشتر به ابزاری برای پیشبرد اهداف دولت تبدیل شوند (چلبی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۳-۵۲).

این موضوع باعث می‌شود احزاب نتوانند نقش واسطه مؤثری میان مردم و حاکمیت باشند. در نبود احزاب قدرتمند، انتقادات و خواسته‌های مردم پراکنده و بدون انسجام به دولت منتقل می‌شود. علاوه بر این، ضعف احزاب باعث می‌شود دولت‌ها از نظارت مؤثر محروم شوند و سیاست‌گذاری‌ها از نگاه تک‌بعدی رنج ببرند.

۲- تعدد نهادها و سازمان‌های متولی امر عمومی در کشور:

تعدد نهادها و سازمان‌ها باعث ناهماهنگی و ناکارآمدی در اجرای سیاست‌های عمومی می‌شود. این پراکندگی اغلب به دلیل تداخل در اختیارات یا نبود یک سازوکار منسجم مدیریتی به وجود آمده است. تعدد دستگاه‌ها همچنین باعث اتلاف منابع، بوروکراسی اداری و تأخیر در اجرای پروژه‌های ملی می‌شود.

بطور مثال: به نقل از خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی ایران (خبرگزاری صدا و سیما) در صنعت خودروسازی ایران، تعدد نهادها و سازمان‌های متولی و تصمیم‌گیرنده، یکی از موانع اصلی در مسیر پاسخگویی و کارآمدی است. بر اساس گزارش‌ها، حداقل ۲۹ نهاد رسمی در این صنعت دخالت دارند که این موضوع به پیچیدگی و تداخل وظایف منجر شده است (خبرگزاری صدا و سیما، ۱۴۰۱).

همچنین به نقل از (روزنامه مهر) که متن تحت عنوان (گزارش نهایی تحقیق و تفحص از بررسی علل ناکارآمدی شرکت‌های خودروساز داخلی در حوزه‌های کیفیت، قیمت، محیط‌زیست، طراحی و تکنولوژی، فروش و خدمات پس از فروش) به تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۹ نشر کرده در بخشی از این تحقیق به نقل از کمیسیون صنایع و معدن تحت عنوان «تضاد بین مالکیت و مدیریت» نقل شده:

«با وجود اینکه به ظاهر، دولت در خودروسازان سهام غیرکنترلی دارد، به دلیل سهامداری شرکت‌های زیرمجموعه و سازوکارهای پیچیده وکالت طراحی شده بین این شرکت‌ها، عملاً دولت در مجامع عمومی این شرکت‌ها بازیگر اصلی است. از سویی دیگر، مصیبت ساختار تو درتوی مالکیت و تملک سهام شبه خزانه توسط شرکت‌های گروه (که مفاسد موجود در این حوزه به تفصیل در گزارش‌های اشاره شده در پیوست ارائه شده است)، علاوه بر اینکه با قانون تجارت و سیاست‌های اصل ۴۴ مغایر است، به معضل دستوری بودن سیاست‌ها و برنامه‌های خودروسازان تبدیل شده است و راه هرگونه

بهینه‌سازی و ایجاد شفافیت را (در فرآیندهای تأمین، مشارکت، فروش و انتصابات در خودروسازان که عمده‌ترین فرآیندهای فسادزا است) با موانع جدی مواجه کرده است» (روزنامه مهر، ۱۳۹۹). پس در نتیجه می‌توان گفت که تعدد نهادها و سازمان‌های متولی در اجرای سیاست‌های عمومی، به ویژه در حوزه‌هایی مانند صنعت خودروسازی ایران، باعث ناهماهنگی، ناکارآمدی، اتلاف منابع، و افزایش بوروکراسی شده است. این پراکندگی وظایف و تداخل در اختیارات به پیچیدگی ساختارهای مدیریتی و تأخیر در تصمیم‌گیری و اجرای پروژه‌ها منجر می‌شود. همچنین، ساختار تو در توی مالکیت و کنترل دولتی غیرمستقیم، در تضاد با سیاست‌های بهینه‌سازی و شفافیت اقتصادی عمل کرده و فضا را برای فساد و ناکارآمدی در فرآیندهایی نظیر تأمین، فروش، و انتصابات فراهم ساخته است.

۳. ناکارآمدی دستگاه‌های نظارتی و ذی‌نفع بودن آن‌ها در نمونه مورد نظارت

ناکارآمدی دستگاه‌های نظارتی به ویژه زمانی تشدید می‌شود که این نهادها به جای ایفای نقش بی‌طرفانه و شفاف، خود به عنوان یکی از ذی‌نفعان موضوع نظارت عمل کنند. چنین وضعیتی، که می‌تواند ناشی از وابستگی‌های اقتصادی، مدیریتی یا ملاحظات سیاسی باشد، اثربخشی نظارت را کاهش داده و منجر به تداخل منافع می‌شود. در نتیجه، این دستگاه‌ها توانایی یا انگیزه لازم برای شفاف‌سازی و پاسخگویی در برابر عملکرد خود را از دست می‌دهند پس می‌شود ویژگی‌های ذیل را برای نظام نظارتی ناکارآمد بیان کرد.

«گسترده‌گی و پراکندگی واحدهای نظارتی از بعد، ساختاری تنوع وظایف و اهداف.

- عدم وجود نظارت در تبادل اطلاعات میان سازمانهای نظارتی به صورت پویا.
- عدم وجود همکاری و هماهنگی میان سازمانهای نظارتی در دسترسی به اهداف.
- عدم وجود هماهنگی در سیاست گذاری مشترک میان سازمانهای نظارتی.
- تصور وجود دوباره کاری و فعالیتهای موازی در دستگاههای اجرایی و نظارت شوندگان به دلیل تعدد مراکز نظارتی و قوانین حاکم.
- تصور وجود شکاف عمیق میان سازمانهای نظارتی و دستگاههای اجرایی نظارت شوندگان.
- عدم وجود استانداردهای روشن در امر نظارت و کنترل در نظارت شوندگان و مردم» (موسوی، موسوی، ۱۳۹۰: ۱۵).

از این رو می‌شود گفت که برخوردهای سلیقه‌ای در مدیریت و نظارت می‌توانند گاهی ناشی از ترجیح منافع شخصی و گروهی باشند و گاهی با نیت‌های خیرخواهانه صورت گیرند. به عنوان نمونه، در موضوع فیش‌های حقوقی غیرمتعارف، رئیس دیوان محاسبات مجلس شورای اسلامی اعلام کرد که خود و سازمان تحت مدیریت او از این موضوع آگاه بودند؛ اما به دلیل "تلخ نکردن کام مردم"، از اطلاع‌رسانی خودداری کردند

در همین راستا، رئیس سازمان مردم‌نهاد دیده‌بان شفافیت و عدالت نیز به مسائلی چون "نقض شایسته‌سالاری، توزیع قدرت خانوادگی، و گسترش نفوذ اراده‌های سیاسی و صنفی کوچک در کشور" اشاره کرده است؛ به عنوان نمونه‌ای دیگر، مقاومت وزارت صنعت و معدن برای انتشار فهرست دریافت‌کنندگان ارز دولتی، که پیش‌تر مورد بحث قرار گرفته بود، نمونه‌ای از این رویکرد است. در برخی موارد، دستگاه‌های نظارتی به دلیل

برخی ملاحظات از معیارهای دوگانه در برخورد با مسائل مشابه استفاده می‌کنند. این امر نه تنها اعتماد عمومی را خدشه‌دار می‌کند، بلکه ناکارآمدی نظام سیاسی و اداری را نیز افزایش می‌دهد.

برای مثال، در دهه‌های گذشته، برخی نهادهای عمومی زیر نظر مقام معظم رهبری از حسابرسی‌های مالیاتی معاف بودند و پرداخت مالیات توسط آن‌ها با ابهاماتی همراه بود. با این حال، در سال‌های اخیر با دستور مقام معظم رهبری، این وضعیت به سمت شفافیت بیشتر پیش رفته و سامان بهتری پیدا کرده است (صادقی جقه، ۱۳۹۷: ۳۰).

پس در نتیجه می‌توان گفت دستگاه‌های نظارتی هنگامی کارآمدی خود را از دست می‌دهند که به جای ایفای نقش بی‌طرفانه، به منافع خود یا گروهی اولویت دهند. چنین رویکردی زمینه‌ساز تضعیف اعتماد عمومی و افزایش ناکارآمدی در نظام اداری و سیاسی می‌شود. اصلاحات ساختاری و افزایش شفافیت در عملکرد این نهادها می‌تواند گامی مؤثر در تقویت نظارت و بهبود پاسخگویی باشد (موسوی، موسوی، ۱۳۹۰: ۲۷).

۴. پراکندگی و تعدد دستگاه‌ها و مراجع متولی امور عمومی کشور:

در نظام اداری کشورهایی مانند ایران، وجود دستگاه‌ها و مراجع متعدد با وظایف متداخل و گاه مشابه، باعث کاهش شفافیت، طولانی شدن فرایند تصمیم‌گیری و کاهش اثربخشی سیاست‌های عمومی شده است. برای مثال، در حوزه نظارت بر امور عمومی، تعداد زیادی از سازمان‌ها و نهادها با مسئولیت‌های مشابه فعالیت می‌کنند که این موضوع نه تنها باعث هدررفت منابع مالی و انسانی می‌شود، بلکه عملکرد این نهادها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ یکی از پیامدهای این پراکندگی، کاهش پاسخگویی است.

از طرف دیگر پراکندگی و تعدد دستگاه‌ها و مراجع متولی امور عمومی، ضعف در ساختار و ظرفیت‌های مدیریتی کشور، و وجود نظام‌های متعدد تصمیم‌گیری از جمله مشکلات ساختاری مهم دولت محسوب می‌شوند. همچنین، تسلط گسترده دولت بر نظام تولید و توزیع ثروت نیز به این چالش‌ها افزوده است. این عوامل نه تنها کارآمدی و شفافیت در مدیریت عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بلکه توسعه پایدار و اقتصادی کشور را نیز با موانع جدی روبه‌رو می‌سازند (زهیری، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

بطور مثال می‌توان به تأثیر منفی تعدد دستگاه‌ها در جبران خدمت کارکنان بخش دولتی اشاره کرده که در کنار عوامل دیگر مانند نظام بودجه‌ریزی ناکارآمد، ضعف در مدیریت مالیاتی، عملکرد غیرشفاف در نظام مدیریتی، نبود شفافیت و نظارت کافی و تعدد مراجع تصمیم‌گیری در کشور به عنوان چالش‌های هستند که تأثیر منفی بر رضایت و انگیزه کارکنان بخش دولتی می‌گذارد (مالکی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱).

پس در نتیجه می‌شود گفت در شرایطی که پراکندگی و تعدد دستگاه‌ها و مراجع متولی امور عمومی کشور وجود داشته باشد در برخی موارد، امکان موازی‌کاری و انجام وظایف مشابه توسط چندین دستگاه وجود دارد که این امر به اتلاف منابع و کاهش کارایی منجر می‌شود. در عین حال، ممکن است برخی سازمان‌ها به‌طور کامل از نظارت خارج بمانند، در حالی که در برخی دیگر نظارت‌های تکراری و غیرضروری اعمال می‌شود. این عدم تعادل در نظارت می‌تواند باعث کاهش شفافیت، افزایش ناهماهنگی و ایجاد مشکلات در اجرای وظایف سازمانی شود (جمور، مرتب، ۱۴۰۲: ۲۳).

۵- عدم شایسته‌سالاری و نظام نامناسب انتخاب و انتصاب:

دستگاه بوروکراتیک در کشور به‌عنوان یکی از ارکان اصلی حاکمیت، نقش مهمی در ارتباط با مردم و تحقق اراده سیاسی کشور ایفا می‌کند. نوع عملکرد و رفتار این دستگاه‌ها با شهروندان، معیار مهمی برای سنجش کیفیت خدمات‌رسانی و میزان پاسخگویی آن‌ها به جامعه محسوب می‌شود. با این حال، ساختار بوروکراتیک کشور با چالش‌ها و آسیب‌هایی مواجه است که عملکرد آن را تحت تأثیر قرار داده است. مهم‌ترین آسیب‌های موجود در این ساختار عبارت‌اند از: سیاست‌زدگی و ترجیح منافع خصوصی بر مصالح عمومی، که منجر به اولویت دادن به منافع گروهی به جای منافع عمومی می‌شود؛ تشریفات اداری و کاغذبازی که سبب کندی در روند پاسخگویی به ارباب رجوع می‌شود؛ عدم شایسته‌سالاری که موجب انتصاب‌های غیرشفاف و بر اساس روابط شخصی یا سیاسی می‌گردد؛ اتکاء بیش از حد به بخش سیاسی برای نیل به اهداف به جای رعایت اصول حرفه‌ای و قانونی؛ عدم التزام به قوانین و مقررات که باعث استفاده از رانت و عدم اجرای مناسب قوانین می‌شود؛ مریدپروری و ریاکاری که موجب بی‌اعتمادی در سیستم می‌گردد؛ و در نهایت، تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری و مدیرمحوری که منجر به کاهش انعطاف‌پذیری و کارایی سیستم می‌شود. به‌طور کلی، ساختار بوروکراسی در ایران، فاقد ویژگی‌های بوروکراسی کارآمد، توسعه‌گرا و پاسخگو است (گرامیان، ۱۳۹۹: ۲۰۴).

پس در نتیجه می‌توان گفت که یکی از عوامل کلیدی در ایجاد یک نظام اداری کارآمد، شایسته‌سالاری و انتخاب و انتصاب مناسب مدیران است. زمانی که انتخاب مدیران بر اساس شایستگی، تخصص، تجربه، و عملکرد واقعی آن‌ها انجام نشود، پیامدهای منفی متعددی برای سازمان‌ها و جامعه به همراه خواهد داشت. یکی از مهم‌ترین این پیامدها، کاهش پاسخگویی در نظام اداری است.

پاسخگویی به معنای تعهد و مسئولیت‌پذیری در قبال وظایف محول شده است. مدیرانی که بر اساس معیارهای غیرشایسته‌محور مانند روابط شخصی، سیاسی یا نفوذ قدرت منصوب می‌شوند، عموماً تمایل کمتری به پاسخگویی در قبال عملکرد خود دارند. این امر به دلیل ضعف در تخصص، عدم شفافیت در اهداف و مسئولیت‌ها، و نبود معیارهای ارزشیابی روشن در انتخاب و انتصاب چنین مدیرانی است.

۶. فعالیت ضعیف و غیرنظام‌مند احزاب سیاسی در جامعه:

فعالیت ضعیف و غیرنظام‌مند احزاب سیاسی در جامعه، موجب کاهش پاسخگویی در سیستم سیاسی می‌شود. احزاب، به‌عنوان ارکان اصلی فرآیند دموکراتیک، باید مسئولیت پاسخگویی به مردم را بر عهده بگیرند. در جوامعی که احزاب فاقد ساختار شفاف و کارآمد هستند، این مسئولیت‌پذیری کاهش می‌یابد. احزاب سیاسی ضعیف و وابسته به قدرت‌های خاص، عموماً در برابر عملکرد خود پاسخگو نیستند و به‌جای توجه به منافع عمومی، بیشتر درگیر مسائل جناحی می‌شوند. این وضعیت، عدم شفافیت در تصمیم‌گیری و بی‌اعتمادی عمومی را به همراه دارد. برای تقویت پاسخگویی، ضروری است که احزاب به‌طور مؤثر به نظارت و خدمت‌رسانی بپردازند و ساختارهای حزبی شفاف و رقابتی ایجاد شود.

در این راستا، یکی از دلایل ضعف در پاسخگویی احزاب سیاسی، مقطعی و فصلی بودن فعالیت‌های آنهاست. در ایران، بسیاری از احزاب تنها در زمان انتخابات فعال هستند و پس از آن، به‌سرعت فعالیت‌هایشان متوقف

می‌شود. این نوع فعالیت ناپایدار موجب می‌شود که احزاب نتوانند در بلندمدت مسئولیت‌پذیری خود را در قبال مردم حفظ کنند. وقتی احزاب تنها در زمان‌های خاص مانند انتخابات به میدان می‌آیند و سپس ناپدید می‌شوند، اعتماد مردم به آنها کاهش می‌یابد و این موضوع باعث می‌شود که احزاب نتوانند نقش مؤثری در ایجاد شفافیت و نظارت بر عملکرد دولت ایفا کنند. بنابراین، علاوه بر ضعف ساختاری، فعالیت مقطعی احزاب باعث تضعیف پاسخگویی در سیستم سیاسی می‌شود (فضلی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵۰).

از همین رو مردم به دلایلی مانند قدرت‌طلبی، نخبه‌گرایی، وابستگی به افراد خاص، ارتباط با حکومت و قدرت‌های خارجی، و همچنین عدم پایداری احزاب به وعده‌ها و برنامه‌های اعلام‌شده، در سده اخیر نگاه مثبتی به احزاب نداشته‌اند. این عوامل باعث شده که بسیاری از افراد تمایلی به مشارکت در فعالیت‌های حزبی نداشته باشند و احزاب را بیشتر به‌عنوان نهادهایی قدرت‌طلب و بی‌تفاوت نسبت به مردم و منافع جمعی تلقی کنند (سردانیا، ۱۳۹۳: ۵۴).

۷. بی‌برنامگی دولت و عقب‌افتادن از برنامه‌های حداقلی:

بی‌برنامگی دولت و عقب‌افتادن از برنامه‌های حداقلی، چالش جدی در نظام اجرایی کشور است که به کاهش پاسخگویی و اعتماد عمومی منجر می‌شود؛ برای نمونه برنامه‌های توسعه‌ای به‌عنوان نقشه راه دولت هستند که نه تنها باید هدف‌گذاری دقیقی داشته باشند، بلکه اجرای مؤثر آن‌ها نیازمند مدیریت کارآمد و پاسخگو است. زمانی که دولت‌ها در تحقق این برنامه‌ها ناکام بمانند، عدم شفافیت در عملکرد و ضعف هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی، پاسخگویی به مردم را دشوار می‌سازد. در این راستا، ایجاد سازوکارهای شفاف برای ارزیابی و گزارش‌دهی پیشرفت برنامه‌ها، نقش کلیدی در ارتقای پاسخگویی و اعتماد عمومی دارد.

به عنوان مثال، بررسی برنامه‌های توسعه در ایران نشان می‌دهد که برنامه اول توسعه به‌طور کلی در ایجاد بسترهای قانونی مناسب برای دستیابی به سیاست‌های راهبردی خود موفق عمل نکرد. برنامه دوم توسعه نیز نتوانست اهداف تعیین‌شده را محقق کند؛ به‌عنوان نمونه، میانگین رشد تولید ناخالص داخلی در این برنامه ۵٫۱ درصد هدف‌گذاری شده بود، اما تنها به ۳٫۲ درصد دست یافت. با این حال، دولت در برنامه سوم توسعه عملکرد بهتری نسبت به برنامه دوم داشت و دستاوردهای آن به اهداف تعیین‌شده نزدیک‌تر بود. اما در برنامه چهارم توسعه، عملکرد دولت فاصله زیادی با اهداف تعیین‌شده در این برنامه داشت (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۰-۱۵۳).

برنامه پنجم توسعه نیز مشکلات خود را داشت بطور مثال برنامه پنجم توسعه حدود ۶۱ هدف را در بر گرفته بود که تحقق این اهداف، زمینه اجرای مأموریت‌ها و دستیابی به اهداف کلان این برنامه را فراهم می‌کرد. رسیدن به این اهداف نیازمند سیاست‌گذاری دقیق، تدوین رویه‌های اداری و عملیاتی مناسب، و ایجاد سیستم‌های تشویق و تنبیه شفاف داشت این حجم از وظایف تنها در چارچوب برنامه پنجم توسعه به دستگاه‌های اجرایی محول شده بود در حالی که این دستگاه‌ها علاوه بر وظایف برنامه، مسئولیت‌های دیگری نیز بر اساس قوانین تأسیس، اساسنامه و سایر قوانین موضوعه کشور بر عهده داشتند؛ این در حالی بود که سازوکار نظارتی قانون برنامه پنجم توسعه در مقایسه با برنامه چهارم توسعه، ضعیف‌تر بود (بیگدلی و تهرانی، ۱۳۹۵: ۱۱۷).

پس در نتیجه می‌توان گفت که یکی از چالش‌های اساسی در نظام تدبیر کشور این است دولت‌ها معمولاً برنامه‌هایی را به تصویب می‌رسانند که اجرای آن‌ها عمدتاً بر عهده دولت‌های بعدی قرار می‌گیرد زیرا که انتخابات مجلس، ریاست‌جمهوری و سایر نهادهای مرتبط به صورت حزبی برگزار نمی‌شود. این موضوع باعث می‌شود حداقل همفکری و انسجام پس از انتخاب مسئولان ایجاد نشود. علاوه بر این، در چنین شرایطی، رقابت‌های جناحی و گروهی می‌توانند تعهداتی فراتر از اختیارات و امکانات را به دولت‌های آینده تحمیل کنند. از طرفی، به دلیل ضعف در نظارت، حسابرسی، بازرسی و کنترل، دولت‌های جدید که رویکردهای دولت قبلی را نمی‌پذیرند، ممکن است از اجرای مصوبات و برنامه‌ها سر باز زنند؛ همچنین، عدم انطباق دوره زمانی برنامه‌ها با مسئولیت دولت‌ها چالشی دیگر است، به گونه‌ای که گاهی یک برنامه توسط دو دولت اجرا می‌شود، که این امر ارزیابی عملکرد را دشوار می‌سازد. در نهایت، نظارت و بازرسی اغلب پس از اجرای برنامه‌ها صورت می‌گیرد و نه در حین اجرا، که این روند یکی از معضلات اساسی در نظام برنامه‌ریزی کشور به شمار می‌رود (مصطفوی، ۱۳۹۵: ۷۵).

۸. عدم تناسب بین اختیارات و وظایف محوله به عنوان یکی از موانع پاسخگویی:

یکی از موانع اساسی پاسخگویی در نظام‌های اداری و اجرایی، عدم تناسب میان اختیارات و وظایف محوله است. در این وضعیت، سازمان‌ها یا نهادها وظایف و تکالیفی را به عهده دارند که اجرای آن‌ها مستلزم دسترسی به اختیارات و منابع خاصی است. اما در عمل، این اختیارات به اندازه‌ای که لازم است، به آن‌ها واگذار نمی‌شود. این مسئله موجب می‌شود که نهادها نتوانند وظایف خود را به درستی انجام دهند و به تبع آن، پاسخگویی مطلوبی به شهروندان ارائه کنند.

بطور مثال شهرداری‌ها در ایران از جمله نهادهایی هستند که با مشکل عدم تناسب اختیارات و وظایف مواجه‌اند. مطابق قانون، وظایف شهرداری‌ها شامل توسعه زیرساخت‌های شهری، جمع‌آوری زباله، ارائه خدمات شهری، و اجرای برنامه‌های فرهنگی است. اما این نهادها با چالش‌های متعددی روبرو هستند؛ در همین باره محسن هاشمی رئیس شورای شهر تهران در مصاحبه‌ای با (خبرگزاری ایمننا) بیان کرده «مشکل آنجاست که ما وظایفی را به شهرداری محول کردیم اما اختیارات و امکانات و منابع متناظر این وظایف را تفویض و منتقل نکردیم» (خبرگزاری ایمننا، ۱۳۹۹: ۳۰). با توجه به این مسائل، می‌توان نتیجه گرفت که نبود تناسب میان وظایف محوله و اختیارات واگذار شده، یکی از عوامل کلیدی در ناکارآمدی و کاهش پاسخگویی در نظام اداری ایران است.

پس کل درباره موانع پاسخگویی می‌توان گفت که در ایران، موانع پاسخگویی ریشه در مشکلات ساختاری و مدیریتی دارد که مانع از تحقق شفافیت و نظارت کارآمد بر عملکرد دستگاه‌های دولتی می‌شود. نبود هماهنگی میان نهادهای متولی امور عمومی و پراکندگی وظایف، بستر پاسخگویی را تضعیف کرده است. از سوی دیگر، ناکارآمدی دستگاه‌های نظارتی و وابستگی آن‌ها به ساختارهای تحت نظارت، امکان پاسخگو کردن مقامات و نهادها را کاهش می‌دهد.

همچنین، عدم شایسته‌سالاری در انتخاب و انتصاب مدیران، و ضعف در برنامه‌ریزی منسجم، توانایی دولت را در ارائه خدمات مؤثر و پاسخگویی به نیازهای مردم محدود کرده است. نبود احزاب قوی و جامعه مدنی فعال نیز یکی دیگر از عواملی است که موجب کاهش نظارت عمومی بر عملکرد دولت و نهادها می‌شود. این چالش‌ها، در مجموع، نه تنها پاسخگویی را در سطوح مختلف دشوار می‌کند، بلکه اعتماد عمومی و مشارکت مردم در امور حکومتی را نیز تضعیف می‌کند.

پیشنهاد‌های عملی برای رفع موانع پاسخگویی: رویکردی تخصصی، مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

برای ارتقای شاخص پاسخگویی در چارچوب حکمرانی خوب، بر اساس معیارهای بانک جهانی (مانند آزادی بیان، مشارکت مدنی، و شفافیت نهادها)، پیشنهاد‌های زیر بر پایه تحلیل ساختاری موانع شناسایی شده ارائه می‌شود. این پیشنهادها با ارزش‌های اسلامی (مانند عدالت، شفافیت، شایسته‌سالاری، مشورت، و پاسخگویی به خدا و مردم، برگرفته از نهج‌البلاغه و نامه امام علی (ع) به مالک اشتر؛ نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مانند اصل ۳: تأمین مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اصل ۶: اداره امور کشور با اتکا به آرای عمومی، اصل ۵۶: حاکمیت الهی و حقوق ملت، و اصل ۱۰۴: شوراها برای تمرکز امور محلی) همخوانی دارند. هر پیشنهاد شامل توجیه نظری مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و اصول قانونی، راهکارهای عملی، و شاخص‌های ارزیابی عملکرد است تا امکان پایش علمی و تجربی فراهم شود. این رویکردها می‌توانند در برنامه‌های توسعه ملی (مانند برنامه هفتم توسعه) ادغام شوند و با مطالعات تطبیقی ارزیابی گردند، در حالی که بر پایه آموزه‌های اسلامی مانند تأکید امام علی (ع) بر انتخاب کارگزاران شایسته و شفافیت در امور عمومی (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) استوار هستند.

۱. تقویت ساختارهای حزبی و جامعه مدنی از طریق اصلاحات حقوقی و ظرفیت‌سازی مبتنی

بر اصل مشورت و مشارکت اسلامی

بر اساس ارزش اسلامی مشورت (شورا) و مشارکت مردم در امور (قرآن، سوره شورا: ۳۸) و نامه امام علی (ع) که بر ضرورت مشورت با مردم و جلوگیری از انحصار قدرت تأکید دارد (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)، و اصل ۶ قانون اساسی که اداره امور را بر پایه آرای عمومی می‌داند، پیشنهاد می‌شود:

- اصلاح قانون احزاب (مصوب ۱۳۶۰) با افزودن مفادی برای تضمین استقلال مالی و عملیاتی احزاب و سازمان‌های مردم‌نهاد، بر اساس اصل شایسته‌سالاری اسلامی، و تخصیص بودجه عمومی بر اساس معیارهای شفاف (مانند تعداد اعضا و فعالیت‌های نظارتی).
- راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی مشترک با دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه (مانند دانشگاه تهران یا حوزه علمیه قم) برای ظرفیت‌سازی رهبران احزاب و فعالان مدنی، با تمرکز بر مهارت‌های نظارت دیجیتال و تحلیل سیاست‌گذاری بر پایه ارزش‌های اسلامی مانند عدالت و امانتداری.

- **شاخص ارزیابی:** افزایش ۲۰ درصدی مشارکت احزاب در فرآیندهای قانون گذاری (پایش شده از طریق گزارش‌های سالانه مجلس) و بهبود جایگاه ایران در شاخص آزادی انجمن‌ها تا سطح متوسط منطقه‌ای، همسو با اصل ۱۰۴ قانون اساسی در تقویت شوراها.

۲. کاهش تعدد نهادها و حذف موازی کاری از طریق بازطراحی فرآیندهای اداری بر پایه عدالت و کارایی اسلامی

با الهام از ارزش اسلامی عدالت (عدل) و جلوگیری از اسراف (قرآن، سوره اسراء: ۲۶-۲۷) و نامه امام علی (ع) که بر کارایی در مدیریت منابع و جلوگیری از پراکندگی تأکید دارد (نهج البلاغه، نامه ۵۳)، و اصل ۴۸ قانون اساسی که بر توزیع عادلانه منابع تمرکز دارد، پیشنهاد می‌شود:

- تشکیل کمیته‌ای تخصصی زیر نظر شورای عالی اداری برای نقشه‌برداری وظایف نهادها (با استفاده از ابزارهای سامانه اطلاعات جغرافیایی و نرم‌افزارهای مدیریتی)، و ادغام حداقل ۳۰ درصد از نهادهای موازی (مانند ادغام وظایف نظارتی در صنعت خودروسازی میان وزارت صنعت و سازمان استاندارد)، با اولویت عدالت اقتصادی.
- تدوین استانداردهای بین‌المللی کیفیت برای فرآیندهای اداری به منظور شفاف‌سازی مسئولیت‌ها و کاهش تداخل، همراه با ارزیابی سالانه توسط دیوان محاسبات بر پایه اصول اسلامی امانتداری.
- **شاخص ارزیابی:** کاهش ۱۵ درصدی هزینه‌های اداری (بر اساس گزارش‌های بودجه‌ای) و افزایش کارایی اجرایی (سنجیده با شاخص اثربخشی دولت بانک جهانی)، در راستای اصل ۳ قانون اساسی برای رفع تبعیضات.

۳. افزایش استقلال و کارآمدی دستگاه‌های نظارتی با تمرکز بر مکانیسم‌های ضدتعارض منافع و پاسخگویی اسلامی

بر پایه ارزش اسلامی پاسخگویی به خدا و مردم (قرآن، سوره نساء: ۵۸) و نامه امام علی (ع) که بر نظارت دقیق بر کارگزاران و جلوگیری از فساد تأکید دارد (نهج البلاغه، نامه ۵۳)، و اصل ۱۷۴ قانون اساسی که سازمان بازرسی را برای نظارت بر حسن جریان امور تعیین کرده، پیشنهاد می‌شود:

- تصویب قانونی برای جداسازی کامل بودجه و انتصابات دستگاه‌های نظارتی (مانند سازمان بازرسی کل کشور) از نهادهای اجرایی، با الزام به انتشار گزارش‌های حسابرسی عمومی هر شش ماه یکبار در سامانه‌های دیجیتال (مانند سامانه ملی انتشار اطلاعات)، بر پایه اصل شفافیت اسلامی.
- ادغام هوش مصنوعی برای تحلیل داده‌های نظارتی، مانند سیستم‌های تشخیص فساد مبتنی بر الگوریتم‌های یادگیری ماشینی، در همکاری با مراکز تحقیقاتی مانند پژوهشگاه قوه قضائیه، با تأکید بر عدالت و امانتداری.

- **شاخص ارزیابی:** کاهش موارد تعارض منافع (پایش شده از طریق گزارش‌های سازمان شفافیت بین‌الملل) و افزایش امتیاز کنترل فساد در شاخص‌های بانک جهانی تا ۵,۰ واحد، همسو با اصل ۶۱ قانون اساسی در اجرای عدالت قضایی.

۴. ایجاد هماهنگی و انسجام در ساختارهای اداری از طریق سیستم‌های مدیریتی یکپارچه بر پایه وحدت اسلامی

با استناد به ارزش اسلامی وحدت و همکاری (قرآن، سوره آل عمران: ۱۰۳) و نامه امام علی (ع) که بر هماهنگی در اداره امور تأکید دارد (نهج البلاغه، نامه ۵۳)، و اصل ۱۰۰ قانون اساسی که بر هماهنگی شوراها برای پیشرفت سریع تمرکز دارد، پیشنهاد می‌شود:

- توسعه پلتفرم دیجیتال یکپارچه (مانند سامانه دولت الکترونیک) برای تبادل داده‌ها میان دستگاه‌ها، با پروتکل‌های امنیتی بر اساس استانداردهای حفاظت داده عمومی، و آموزش مدیران اجرایی در سطح کارشناسی ارشد بر پایه آموزه‌های اسلامی.
- برگزاری کارگاه‌های بین‌نهادی سالانه برای تدوین نقشه راه مشترک، با نظارت آکادمیک از سوی مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، با اولویت ارزش‌های اسلامی مانند مشورت.
- **شاخص ارزیابی:** افزایش ۲۵ درصدی سرعت تصمیم‌گیری (سنجیده شده با زمان پردازش پرونده‌های اداری) و بهبود رتبه ایران در شاخص اثربخشی دولت، در راستای اصل ۳ قانون اساسی برای ایجاد محیط مساعد رشد فضایل اخلاقی.

۵. نهادینه‌سازی شایسته‌سالاری در انتخاب و انتصاب مدیران با رویکرد مبتنی بر عملکرد و ارزش‌های اسلامی

بر اساس ارزش اسلامی شایسته‌سالاری (قرآن، سوره نساء: ۵۸) و نامه امام علی (ع) که بر انتخاب کارگزاران بر پایه تقوا و امانت تأکید دارد (نهج البلاغه، نامه ۵۳)، و اصل ۱۱۵ قانون اساسی که شایستگی را شرط ریاست‌جمهوری می‌داند، پیشنهاد می‌شود:

- طراحی سیستم ارزیابی مدیران بر پایه شاخص‌های کلیدی عملکرد علمی (مانند تخصص، تجربه، و عملکرد گذشته)، با استفاده از آزمون‌های استاندارد (مانند مدل ارزیابی ۳۶۰ درجه) و انتشار عمومی نتایج انتصابات در سامانه‌های شفافیت، با اولویت تقوا و عدالت اسلامی.
- همکاری با دانشگاه‌های معتبر و حوزه‌های علمیه برای برنامه‌های گواهی‌نامه شایستگی مدیران، و ممنوعیت انتصابات جناحی از طریق اصلاح قانون مدیریت خدمات کشوری، بر پایه اصول اسلامی.
- **شاخص ارزیابی:** افزایش ۳۰ درصدی مدیران دارای مدارک تخصصی (پایش شده از طریق گزارش‌های سازمان اداری و استخدامی) و کاهش نرخ گردش مدیران به زیر ۱۰ درصد، همسو با اصل ۳ قانون اساسی در تأمین حقوق همه‌جانبه افراد.

۶. تقویت نظام‌مند احزاب سیاسی و توسعه فرهنگ مشارکت مردمی از طریق آموزش و حمایت قانونی بر پایه ارزش‌های اسلامی

با الهام از ارزش اسلامی مشارکت و شورا (قرآن، سوره شوری: ۳۸) و نامه امام علی (ع) که بر شنیدن صدای مردم تأکید دارد (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)، و اصل ۲۶ قانون اساسی که آزادی احزاب را تضمین می‌کند، پیشنهاد می‌شود:

- تصویب آیین‌نامه‌ای برای حمایت مالی از احزاب بر اساس عملکرد (مانند تعداد پیشنهاددهای تقنینی موفق)، و راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی آنلاین برای افزایش آگاهی عمومی در مورد نقش احزاب (در همکاری با وزارت آموزش و پرورش)، با تمرکز بر ارزش‌های اسلامی مانند عدالت اجتماعی.
- ایجاد صندوق حمایت از احزاب با بودجه عمومی، مشروط به گزارش‌دهی شفاف فعالیت‌ها، و ادغام آموزش مشارکت سیاسی در برنامه‌های درسی دانشگاهی و حوزه‌های علمیه.
- **شاخص ارزیابی:** افزایش ۲۰ درصدی عضویت در احزاب (از گزارش‌های وزارت کشور) و بهبود امتیاز حق اظهارنظر در شاخص بانک جهانی، در راستای اصل ۸ قانون اساسی برای امر به معروف و نهی از منکر.

۷. برنامه‌ریزی منسجم و پایش مستمر عملکرد دولت با ابزارهای ارزیابی پیشرفته بر پایه امانتداری اسلامی

بر پایه ارزش اسلامی امانتداری و برنامه‌ریزی عادلانه (قرآن، سوره یوسف: ۵۵) و نامه امام علی (ع) که بر نظارت مداوم تأکید دارد (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)، و اصل ۵۲ قانون اساسی که بودجه را بر پایه عدالت تنظیم می‌کند، پیشنهاد می‌شود:

- تدوین برنامه‌های اجرایی با اهداف مشخص، قابل‌سنجش، قابل‌دستیابی، مرتبط، و زمان‌بندی‌شده، و استقرار سیستم پایش واقعی‌زمان با استفاده از داشبوردهای دیجیتال، بر پایه اصول اسلامی.
- الزام به انتشار گزارش‌های عملکرد هر سه ماه توسط نهادهای مستقل (مانند مرکز آمار ایران)، و ارزیابی تطبیقی با برنامه‌های قبلی توسعه، با اولویت عدالت اقتصادی.
- **شاخص ارزیابی:** دستیابی به حداقل ۸۰ درصد اهداف برنامه‌ای (پایش‌شده از طریق گزارش‌های دیوان محاسبات) و افزایش شفافیت بودجه‌ای، همسو با اصل ۳ قانون اساسی برای رفع فقر.

۸. ایجاد تناسب میان اختیارات و وظایف محوله به نهادها از طریق بازنگری حقوقی بر پایه عدالت اسلامی

با استناد به ارزش اسلامی تعادل و عدالت (قرآن، سوره حدید: ۲۵) و نامه امام علی (ع) که بر تناسب اختیارات با مسئولیت‌ها تأکید دارد (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)، و اصل ۱۰۰ قانون اساسی که بر تقسیم وظایف محلی تمرکز دارد، پیشنهاد می‌شود:

- بازنگری قانون اساسی و قوانین عادی برای هم‌تراز کردن اختیارات با وظایف (مانند افزایش بودجه شهرداری‌ها متناسب با وظایف شهری)، با تشکیل کمیته‌ای متشکل از کارشناسان حقوقی، فقهی و مدیریتی.
- تخصیص منابع انسانی و مالی بر اساس تحلیل نیازسنجی، و ارزیابی سالانه تناسب از طریق مدل‌های اقتصادی مانند تحلیل هزینه-فایده، با اولویت ارزش‌های اسلامی.
- **شاخص ارزیابی:** کاهش ۲۰ درصدی شکایات اداری (از گزارش‌های سازمان بازرسی) و بهبود کارآمدی نهادها در شاخص‌های بانک جهانی، در راستای اصل ۴۸ قانون اساسی برای بهره‌برداری از امکانات مادی و معنوی.

اجرای این پیشنهادها نیازمند یک چارچوب زمانی سه‌ساله با نظارت آکادمیک و فقهی (مانند تشکیل پنل کارشناسی در دانشگاه علامه طباطبایی و حوزه علمیه قم) و ارزیابی میان‌دوره‌ای است. این رویکرد نه تنها موانع ساختاری را رفع می‌کند، بلکه با افزایش جایگاه ایران در شاخص پاسخگویی بانک جهانی (به سمت مثبت)، به تقویت اعتماد عمومی، عدالت اجتماعی و توسعه پایدار بر پایه ارزش‌های اسلامی کمک خواهد کرد. برای اعتباربخشی، پیشنهاد می‌شود مطالعات موردی تطبیقی با کشورهای منطقه‌ای انجام شود، در حالی که بر پایه اصول نهج‌البلاغه و قانون اساسی ایران استوار است

نتیجه‌گیری:

پاسخگویی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های حکمرانی خوب است که نقش اساسی در افزایش اعتماد عمومی، بهبود عملکرد نهادهای دولتی و تقویت مشروعیت حاکمیت دارد. این شاخص، نه تنها در اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته، بلکه در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز دارای جایگاه ویژه‌ای است و در اصول مختلف قانون اساسی بر آن تأکید شده است. با این حال، بررسی شاخص پاسخگویی در ایران نشان می‌دهد که این کشور در مقایسه با معیارهای جهانی، به‌ویژه سنج‌های بانک جهانی، عملکرد ضعیفی داشته و طی دو دهه گذشته در بازه نمرات منفی قرار گرفته است.

تحلیل تطبیقی ایران با کشورهای منطقه، از جمله ترکیه، آذربایجان و امارات متحده عربی، نشان می‌دهد که در حالی که ترکیه تا پیش از سال ۲۰۱۶ عملکرد بهتری در شاخص پاسخگویی داشت، روند نزولی آن پس از این سال، این کشور را به وضعیت ایران نزدیک‌تر کرده است. آذربایجان همواره رتبه پایین‌تری نسبت به ایران داشته و تحت یک نظام سیاسی متمرکز و اقتدارگرا، آزادی‌های مدنی و مشارکت سیاسی محدودتر از ایران بوده است. از سوی دیگر، امارات متحده عربی با وجود پیشرفت‌های چشمگیر اقتصادی، به دلیل تمرکز قدرت در ساختار حکومتی، در شاخص پاسخگویی رتبه بالایی کسب نکرده است. این مقایسه نشان می‌دهد که ایران در سطح منطقه‌ای جایگاهی متوسط دارد اما همچنان با چالش‌های جدی در حوزه پاسخگویی مواجه است. بررسی موانع پاسخگویی در ایران نشان داد که ساختار بوروکراتیک پیچیده و پراکنده، تعدد نهادهای متولی امور عمومی، ناکارآمدی دستگاه‌های نظارتی، عدم شایسته‌سالاری در انتصاب مدیران، و ضعف جامعه مدنی و احزاب

سیاسی، از جمله مهم‌ترین عوامل محدودکننده پاسخگویی در کشور هستند. این عوامل، نه تنها باعث کاهش شفافیت و کارآمدی حکمرانی شده، بلکه زمینه‌ساز کاهش اعتماد عمومی به نهادهای حاکمیتی نیز شده‌اند. برای بهبود وضعیت پاسخگویی در ایران، اصلاحات ساختاری و سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر شفافیت و نظارت ضروری است. در این راستا، اقداماتی همچون کاهش تعدد نهادهای اجرایی و ادغام وظایف موازی، تقویت استقلال و کارآمدی نهادهای نظارتی، افزایش شفافیت در فرآیندهای حکومتی، بهبود نظام انتصابات بر اساس شایسته‌سالاری، و توسعه احزاب سیاسی و نهادهای مدنی می‌تواند نقش بسزایی در ارتقای پاسخگویی ایفا کند. علاوه بر این، استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی برای دسترسی آزاد شهروندان به داده‌های حکومتی، می‌تواند به شفافیت بیشتر و در نتیجه افزایش پاسخگویی نهادهای دولتی منجر شود. در نهایت، تحقق پاسخگویی مطلوب در ایران نیازمند عزم ملی، همکاری قوای سه‌گانه، و مشارکت فعال جامعه مدنی است. اصلاحات در این زمینه نه تنها باعث بهبود جایگاه ایران در شاخص‌های بین‌المللی حکمرانی خواهد شد، بلکه به افزایش اعتماد عمومی، تقویت ثبات سیاسی و اقتصادی، و دستیابی به توسعه پایدار کمک خواهد کرد.

منابع:

- ۱- قرآن کریم، سوره‌های شورا: ۳۸، اسراء: ۲۶-۲۷، نساء: ۵۸، آل عمران: ۱۰۳، یوسف: ۵۵، حدید: ۲۵.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- بیگدلی، تهرانی، ایمان (۱۳۹۵) بررسی برنامه‌های توسعه پنجم از نگاه اقتصاد اسلامی. نشریه (اقتصاد و بانکداری اسلامی)، ۱۷(۵)، ۹۷-۱۲۲.
- ۴- تری، جان. (۱۳۸۵). (تغییر دیدگاه در اقتصاد و توسعه). ترجمه جعفر خیرخواهان. اقتصادی سیاسی تحول همه جانبه. شماره ۱.
- ۵- جمور، حسین و مرتب، یحیی (۱۴۰۲). بررسی دستگاه‌های متولی مبارزه با فساد در جمهوری اسلامی، (ماهنامه گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)، ۳۱(۵).
- ۶- چلیبی، فایقه، ایزدی، رجب و هریسی نژاد، کمال الدین (۱۳۹۷). کارکرد احزاب سیاسی در تنظیم روابط قوای حاکم؛ مطالعه تطبیقی نظام‌های انگلستان، آمریکا و ایران. (پژوهش‌های راهبردی سیاست)، ۷(۲۷)، ۳۵-۶۵.
- ۷- خبرگزاری ایمن (۱۳۹۹، تیر). (ماهنامه شهرگاه) شماره یازده. بازیابی شده از <https://media.imna.ir/d/2020/07/05/0/1645371.pdf>
- ۸- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای، (۱۴۰۳). پاسخگویی مسئولان، قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=>
- ۹- روزنامه مهر (۱۳۹۸) (متن کامل گزارش تحقیق و تفحص مجلس از عملکرد سایپا و ایران خودرو) <https://bit.ly/EAnrJm3>
- ۱۰- زندیه حسن، سالارسروی، حسن. (۱۳۹۱) شفافیت اسنادی و حق دسترسی آزاد به اطلاعات (گنجینه اسناد)، ۸۹(۲۳)، ۱۱۶-۱۳۴.
- ۱۱- زهیری (۱۳۹۴). نسبت سنجی بوم‌شناسانه الگوی حکمرانی خوب. (علوم سیاسی-دانشگاه باقرالعلوم (ع))، ۶۶(۱۷)، ۸۷-۱۱۲.
- ۱۲- سامانه ملی انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، (۱۴۰۳). <https://iranfoia.ir/list-organizations/?orgId=>
- ۱۳- سردارنیا، خلیل اله (۱۳۹۳) تحلیل جامعه‌شناختی نهادینه نشدن و ناکامی تحزب در ایران از انقلاب مشروطه تا به امروز (پژوهش‌های تاریخی)، ۶(۴)، ۴۳-۵۶.
- ۱۴- سلیمی، جلیل، مکنون، رضا و بهرامی، محسن (۱۳۹۳) فراتحلیلی بر آسیب‌شناسی‌های برنامه‌های توسعه در ایران (فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی)، ۳(۱۰).
- ۱۵- صادقی جقه، سعید (۱۳۹۷) شفافیت، نظارت و کارآمدی (فصلنامه مطالعات راهبردی)، ۲۱(۸۲)، ۷-۳۴.
- ۱۶- صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۱). (۲۹ نهاد؛ تصمیم‌گیرنده برای صنعت خودرو) بازیابی شده از <https://www.iribnews.ir/fa/news/3409293/29> نهاد-تصمیم‌گیرنده-برای-صنعت-خودرو
- ۱۷- فاضلی، اشرف‌السادات، عنایتی شبکلایی، علی و نجف‌زاده، مهدی (۱۳۸۸) بررسی نگرش مردم نسبت به احزاب سیاسی در ایران. (پژوهش‌های ارتباطی)، ۱۶(۵۷)، ۱۳۵-۱۵۵.

- ۱۸- فقیهی، ابوالحسن (۱۳۸۰) نظام های پاسخگویی در بخش دولتی: دیدگاهی تطبیقی (مطالعات مدیریت بهبود و تحول)، ۸(۲۹،۳۰)، ۵۳-۷۰.
- ۱۹- قلی پور، رحمت الله (۱۳۸۳) تحلیل و امکان سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران با تأکید بر نقش دولت. (دانش مدیریت) شماره ۶۷.
- ۲۰- گرامیان، سعیده سادات (۱۳۹۹) آسیب‌شناسی نظام پاسخگویی در ایران از منظر رئالیسم انتقادی با استناد به الگوی مطلوب در متون دینی. (سیاستگذاری عمومی)، ۶(۳)، ۱۹۱-۲۰۸.
- ۲۱- مالکی، محمدرضا، فقیهی، ابوالحسن و میرسپاسی، ناصر (۱۳۹۸) نارسایی‌های نظام جبران خدمت کارکنان در بخش دولتی ایران. (فصلنامه انجمن علوم مدیریت ایران)، ۱۴(۵۴)، ۱-۲۹.
- ۲۲- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۹). (سیاست نامه امام علی (ع)) (مهدی مهریزی)، مترجم. قم: انتشارات دارالحدیث.
- ۲۳- مصطفوی سید محمد حسن (۱۳۹۶) مروری بر برنامه‌های توسعه کشور با تأکید بر برنامه ششم و مقایسه آن‌ها با معیار برخی شاخص‌های مرتبط با اقتصاد اسلامی. (نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی)، ۶(۱۸): ۸۳-۱۰۳.
- ۲۴- معین، محمد (۱۳۸۷)، (فرهنگ فارسی معین) (یک جلدی)، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ نما.
- ۲۵- موسوی، سیدفضل اله و موسوی، سیدمهدی (۱۳۹۰) تعدد دستگاه‌های نظارتی؛ فرصت یا تهدید (فصلنامه پژوهش‌های سلامت اداری)، ۳(۱)، ۵-۳۶.
- ۲۶- میدری، احمد و جعفر، خیرخواهان. ۱۳۸۳ (حکمرانی خوب). بنیان توسعه) تهران. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. چاپ اول.
- ۲۷- یوسفی شیخ رباط، بابایی (۱۳۹۷) استخراج مؤلفه‌های حکمرانی خوب بر اساس نامه مالک‌اشتر و بررسی تطبیقی با اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران. (فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه)، ۶(۲۱)، ۱۱۵-۱۳۵.

Reference:

1. Democracy Web. (n.d.). *Essential principles of accountability*. Retrieved September 29, 2024, from https://www.democracyweb.org/study-guide/accountability/essential-principles?utm_source=chatgpt.com
2. Freedom House. (2018). *Freedom in the World 2018: Turkey*. Washington, DC: Freedom House. Retrieved from <https://freedomhouse.org/country/turkey/freedom-world/2018>
3. Kaufmann, D. & Kraay, A. (2024). *The Worldwide Governance Indicators: Methodology and 2024 update*. The World Bank. <https://www.worldbank.org/content/dam/sites/govindicators/doc/wgimethodologypaper.pdf>
4. Keyman, E. F., & Öniş, Z. (2003). Turkey at the Polls: A New Path Emerges. *Journal of Democracy*, 14(2), 95-107. Retrieved from <https://www.journalofdemocracy.org/articles/turkey-at-the-polls-new-path-emerges/>

5. OECD. (2015). *Government at a glance 2015*. OECD Publishing. https://doi.org/10.1787/gov_glance-2015-en
6. Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights. (n.d.). About good governance.
7. United Nations Human Rights Office of the High Commissioner. <https://www.ohchr.org/en/good-governance/about-good-governance>
8. Öniş, Z. (2016). Turkey's Two Elections in 2015: Democracy, Identity and Foreign Policy. *Insight Turkey*, 18(1), 1–17. Retrieved from <https://www.journalofdemocracy.org/articles/turkeys-two-elections-the-akp-comes-back/>
9. Ray, B, and R, May. (1996). "Reform in the Public Services". *Development Bulletin*.
10. Vishwanath, T. & Kaufmann, D. (1999), "Towards Transparency in Finance and Governance", *The World Bank Research Observer*, vol. 16, no. 1, Pages 41–57, Vol. 38.
11. World Bank. (2024) *Interactive data access*. <https://www.worldbank.org/en/publication/worldwide-governance-indicators/interactive-data-access>
12. World Bank. (2024). *Worldwide Governance Indicators (WGI): Voice and Accountability 2000–2023*. Retrieved from <https://info.worldbank.org/governance/wgi/>
13. World bank, (1999) <https://www.worldbank.org/en/publication/worldwide-governance-indicators/documentation1>